

مقدمه

عیسی مسیح با تعلیم "دعای ربّانی" (ای پدر آسمانی ما...) مسیر صحیح دعا کردن را ترسیم کرده است. دعای ربّانی درواقع بیش از آنکه یک دعای کلیشه شده و یا یک قالب ثابت برای دعا باشد، مسیری است که باید در عبادت و "دعا" آنرا دنبال کنیم. به عبارتی میتوان گفت نموداری برای دعا میباشد که لازم است آنرا کشف کنیم. "دعای ربّانی" بیش از آنکه دعایی جهت تکرار باشد، دعایی است که ما را به عمل کردن هدایت میکند. مانند ردّپایی است که بایستی در دعا آنرا دنبال کنیم. "دعای ربّانی" از آنجایی که تماماً برنامه طریق زندگی میباشد، نباید فقط خوانده و گفته شود. بلکه لازم به تفکر و تأمل و اکتشاف آن میباشد.

عیسی مسیح با تعلیم دعای ربّانی (ای پدر آسمانی ما...) خود را بصورت یک منجی بی همتا نمایان میکند. به جای آنکه تنها کلمات را بردهاں ما بگذارد، قدرت کشف و درک افکاری تازه از طریق کلامان را به ما میبخشد. "دعای ربّانی" دعایی است که به حواریون اختصاص داده شده است. به عبارتی نشانه تعلق به اوست. عیسی مسیح در نتیجه درخواست رسولان این دعا را به ایشان آموخت: "دعا کردن را به ما تعلیم نما، چنانکه یحیی شاگردان خود را بیاموخت" (لوقا ۱۱: ۱). از این روی کلیسا این دعا را با افتخار به شخصی که تمید میگیرد، تقدیم میکند.

"دعای ربّانی" دعای تعمیدمان است

در کتاب مقدّس دو متن از این دعا را مشاهده میکنیم. بنابر نظر کارشناسان کلام، قدیمترین آنها متعلّق به لوقا میباشد و برخی از متون انجیل متی نمایانگر و تطبیق دهنده متونی قدیمتر میباشند.

متن اصلی از انجیل متی (۷:۶-۱۳)

ای پدر ما که در آسمانی
نام مقدّس تو گرامی باد
ملکوت تو برقرار گردد
خواست تو آنچنان که در آسمان مورد اجرا است بر زمین نیز اجرا شود
نان روزانه ما را امروز به ما ارزانی دار
خطاهای ما را ببامرز چنانکه ما نیز آنان را که به ما بدی کرده اند، می بخشیم
ما را از وسوسه ها دور نگاه دار و از شیطان حفظ فرما
زیرا ملکوت، قوّت و جلال تاابد از آن توست، آمین.

متن اصلی از انجیل لوقا (۱۱:۴-۱۰)

ای پدر
نام مقدّس تو گرامی باد
ملکوت تو برقرار گردد
نان موردنیاز ما را روز به روز به ما ارزانی فرما
و گناهان ما را ببخش
چنانکه ما نیز آنانی را که به ما خطا کرده اند می بخشیم
ما را از وسوسه های شیطان دور نگه دار.

(۱) پدر

صفت "پدر" که در اینجا به خدا داده شده، تنها به یهودیان تعلق ندارد. بسیاری از اقوام کهن این صفت را برای خدا بکار برده اند. در ادیان هند واژه "پدر" برای آسمان و واژه "مادر" برای زمین استفاده میشود. یعنی دو عنصر تشکیل دهنده عالم هستی!

اقوام سامری بعنوان قدیمیترین دانشمندان علم نگارش، در یک سرود روحانی خود که در وصف خدای ماه نوشته اند، به خدا لقب "پدر مهربان" را داده اند. تمدن رومی- یونانی نیز از زئوس دائماً به عنوان "پدر خدایان و انسانها" نام می برد. فیلسوف یونانی افلاطون، به حقیقت والای نیکی و احسان، لقب پدر را داده است. در کتاب مقدس نیز دیده میشود که یهودیان صفت "پدر" را برای خدا به معنای مجازی آن بکار برده اند. در عهدعتیق از کتاب مقدس پانزده مرتبه این صفت تکرار شده است.

برخی از این متون:

(تثنیه ۶:۳۲) *آیا او پدر و خالق تو نیست؟ آیا او نبود که تو را بوجود آورد؟*

(اشعیا ۶۴:۸) *اما ای خداوند، تو پدر ما هستی. ما گِل هستیم و تو کوزه گر. همه ما ساخته دست تو هستیم.*

(ارمیا ۹:۳۱) *... زیرا من پدر اسرائیل هستم و او پسر ارشد من است!*

(امثال سلیمان ۱۲:۳) *همانطور که هرپدری پسر محبوب خود را تنبیه میکند تا او را اصلاح نماید، خداوند نیز تو را تأدیب و تنبیه میکند.*

باوجود این عیسی مسیح تنها کسی است که خدا را به عنوان "خدای پدر" به ما معرفی میکند. یهودیان واژه "پدر" را به معنای مجازی آن بکار میبرند و قوم اسرائیل نیز از این واژه استفاده میکند. در عهد جدید از کتاب مقدس، واژه "پدر" صد و هفتاد مرتبه تکرار شده است.

درواقع عیسی مسیح به چیزی بالاتر از اینها اشاره میکند. زمانی که عیسی مسیح این صفت را برای اشاره به خدا بکار میبرد و از خدا بعنوان "خدای پدر" نام میبرد از کلمه Abba که در زبان آرامی صفتی است که یک فرزند به پدر خود خطاب میکند، استفاده میکند. براساس احکام کتاب تلمود، کودکی که قادر به گفتن کلمه Imma (مادر) و Abba (بابا) میباشد بایستی شیردهی مادر به او قطع شود. آنچه که عیسی مسیح در این رابطه انجام داد درواقع با سنتی که بنابر نوشته های مرقس و از طرف پولس رسول تأیید میشود مطابقت دارد.

انجیل مرقس میگوید که عیسی مسیح در باغ جتسمانی اینگونه دعا کرد: "ای پدر، هرکاری نزد تو امکان پذیر است. پس این جام عذاب و رنج را از مقابل من بردار" (۳۶: ۱۴). بطور حتم این بیانی است که عیسی مسیح در کلام روزمره خود آنرا دائماً بکار میبرده است. در غیر اینصورت مرقس در متن خود از این واژه در چنین لحظه حساس و باشکوهی استفاده نمیکرد. برای یک شخص یهودی، هنگام صحبت کردن در رابطه با خدا، استفاده از این واژه در واقع حرکتی بی شرمانه بود. اما عیسی مسیح این واژه را دائماً بکار میبرد و پولس رسول نیز با بیان دلیل این مطلب، ما را برای استفاده از این صفت برای خدا تشویق میکند: "پس حال چون فرزندان خدا هستیم، خدا روح فرزند خود را به قلبهای ما فرستاده تا بتوانیم او را واقعاً "پدر" بخوانیم. بنابراین دیگر غلام نیستیم بلکه فرزندان خدا می باشیم" (غلاطیان ۴: ۶). در رساله رومیان نیز اشاره شده است: "پس همچون برده ها، رفتارمان آمیخته با ترس و لرز نباشد. بلکه مانند فرزندان خدا رفتار نماییم، فرزندانی که به عضویت خانواده خدا پذیرفته شده اند و خدا را پدر خود می خوانند" (رومیان ۸: ۱۵). ما دیگر برده نیستیم، به سبب اینکه به عیسی مسیح پیوسته ایم فرزندان حقیقی خدا بشمار می آئیم و به همین دلیل خدا را "پدر" خطاب کردن، حق مسلم ماست. دیگر این یک واژه مجازی برای ما نیست، بلکه حقیقی است. پیوند و رابطه ما با خدا، از نظر عیسی مسیح چیزی فراتر از یک رابطه خانوادگی نیز میباشد. قدیس یوحنا نیز در رساله اول خود به مسیحیان، به این مطلب اشاره کرده است: "ببینید خدای پدر چقدر ما را دوست میدارد که ما را "فرزندان" خود خوانده و همینطور نیز هستیم" (اول یوحنا ۳: ۱).

۲) پدر ما

عیسی مسیح دعای جماعت (دسته جمعی) را تعلیم میدهد. در "دعای ربّانی" درخواست کمک و حتی طلب آمرزش گناهان نیز بصورت فردی نیست. این امر نشانگر این نکته است که در نظر عیسی مسیح دعا تنها به حضور خدا درآمدن نیست، بلکه اشاره به همبستگی بین برادران و خواهران هم ایمان دارد. «هریک از ما بایستی خود را در یک رابطه پدر و فرزندی با خدا حس کند. لازمه اینکه در این اتحاد و همبستگی به صورت عمودی صعود کنیم این است که بین ما و برادران و خواهران هم ایمانمان یگانگی و همبستگی افقی وجود داشته باشد». «هنگامی که در دعا از واژه پدر استفاده میکنیم، نیت ما تنها اعلام این

نیست که با عیسی مسیح در دعا مَثَد هستیم. ما، در او، با تمامی افرادی که با او زندگی میکنند و همراه با تمامی بشر دعا میکنیم. زیرا در او، مرگ معنایی ندارد. ما در دعا با مریم، پطرس، پولس، فرانچسکو، دومینکو... و کسانی که دیگر در میان ما نیستند ولی در عیسی مسیح تولّد تازه داشته و دارند، مَثَد میشویم (کشیش Peter Calvay)».

واژه "ما" در دعا به تنهایی منعکس کننده همین نکته در تمامی متن دعای ربّانی میباشد. دعا بایستی ما را از دنیای خودمان بیرون کشیده و بصورت تدریجی به دنیای عیسی مسیح و بواسطه او به دنیای برادران و خواهران هم ایمانمان و همینطور دنیای تمامی عالم بشر ببیونداند.

۳) پدر آسمانی ما

طبق فلسفه یهودی، آسمان دارای طبقات بسیاری است و خدا در طبقه دست نیافتنی آسمان ها نشسته است (مزمور ۱۰۳). واژه "آسمانی" به عظمت و جلال خدا اشاره میکند. با وجود اینکه واژه "پدر ما"، نمایانگر صمیمیت و نزدیکی است، واژه "آسمانی" به یک جلال و عظمت والا اشاره میکند. درواقع این دو واژه تکمیل کننده یکدیگر هستند. خدا، پدر ماست و با ما رابطه ای نزدیک دارد. چرا؟ زیرا او لایتناهی و عظیم است. یک شخص مسلمان هنگام عبادت، عظمت و جلال خدا را تحسین میکند. عیسی مسیح به ما می آموزد که درمقابل این عظمت و جلال، تنها شگفت زده شدن کافی نیست! بلکه بایستی در دل خود هیجان و شادی احسان و صمیمیت با خدا را احساس کنیم. این دو دیدگاه که به نظر با هم ضدّیت دارند در دعای ربّانی درواقع تکمیل کننده یکدیگرند. به این معنا که: پدر، تو لایتناهی، قدرت برتر، ابدی و عظیم هستی ... تو، پدر ما هستی و ما با تو یکی هستیم.

۴) نام تو مقدّس باد

الف:

از نظر یک فرد سامی، نام اشخاص نمایانگر عمق شخصیت آنها میباشد و حتّی به زبان آوردن نام شخص، اعلام محبّتی است که به او داریم. خدا در (اشعیا ۴۳: ۱) می فرماید: من تو را به نام خوانده ام. به این معنا که (من اعماق وجود تو را می شناسم). در (مزمور ۱۱۰: ۹) میخوانیم: کسانی که نیکی و صفات تو را شناخته اند، خود را به تو تقدیم میکنند. و درآیه دیگری از کلام میخوانیم: برخی به

تانکهای جنگی خود و برخی به اسبهای خود میبایند، ولی ما بر خدای خود اعتماد داریم (مزمور ۱۹: ۸). به این معنا که، ما به خصوصیات خدا و قدرت او شناخت و اطمینان داریم. عیسی مسیح میفرماید: تو ایشان را به من دادی و من تو را به این شاگردان شناساندم (یوحنا ۱۷: ۶). این آیه کاملاً به این معناست که، شخصیت و محبت تو را شناساندم (معرفی کردم). زمانی که عیسی مسیح نام پطرس را تغییرداد، فرمود: تو پطرس یعنی (سنگ) هستی و من بر روی این صخره، کلیسای خود را بنا میکنم (متی ۱۶: ۱۸). این حرکت عیسی مسیح نیز نشان دهنده این امر است که در میان یهودیان نام یک شخص دارای اهمیت قابل توجهی است. نام شخص، خصوصیات و شخصیت او را درخود جای داده و آنرا معین میکند.

واژه "مقدس" از زبان سامی گرفته شده است و به دو معنا کاربرد دارد:

۱ – چیزی را که به دین تعلق ندارد، به خدا تقدیم کردن و یا آنرا مقدس شمردن. در (خروج ۲۰: ۸) در رابطه با تقدیم روز سبت به خدا و مقدس شمردن آن گفته شده است: روز سبت را به یاد داشته باش و آنرا مقدس بدار.

۲ – به معنای احترام کردن، نشان دادن احترام و اطمینان. خدا به موسی فرمود: از این روی که به من اعتماد نکردی و در مقابل قوم مرا مقدس نشمردی (یعنی اطمینان نکردی) تو این قوم را به سرزمین وعده نخواهی برد. در کتاب حزقیال میخوانیم که خدا میفرماید: عظمت اسم خود را که شما آنرا در میان قومهای دیگر بی حرمت کردید، در میان شما آشکار خواهم ساخت، آنگاه مردم دنیا خواهند دانست که من خداوند هستم (حزقیال ۳۶: ۲۳). منظور از این آیه این است که: من شخصیت را مورد احترام قرار خواهم داد. در عهدجدید نیز این واژه در رابطه با عیسی مسیح به همین معنا بکاربرده شده است. با خاطری آسوده، خود را به خداوندتان مسیح بسپارید و اگر کسی علت این اعتماد و ایمان را جویا شد، حاضر باشید تا با کمال ادب و احترام به او توضیح دهید (اول پطرس ۳: ۱۵). یعنی: خداوندتان عیسی مسیح را مقدس شمارید و به او اعتماد و اطمینان داشته باشید. به خداوندی عیسی مسیح احترام بگذارید. پس نتیجه میگیریم که معنای جمله "نام مقدس تو گرامی باد" در دعای ربّانی این است که: به شخصیت تو احترام گذاشته شود، موجودیت تو مورد احترام قرارگیرد و مورد اعتماد و اطمینان باشی.

ب:

عیسی مسیح در دعا قبل از هر چیز احترام و اعتماد به خدا را میطلبد.

پدر، قبل از هر چیز، شناخت انسانها از خودت را پاکسازی کن!

در دنیا همیشه با مشکل نداشتن شناخت کافی از خدا، مواجه هستیم. این امر در مورد بسیاری از افراد مسیحی نیز صدق میکند. بیشتر اوقات افکار ما در رابطه با خدا تفکری کودکانه، همراه با ترس ها و اسرار و ناشناخته ها است. مسیح در مورد نداشتن شناخت از خدا به هیچ وجه با ملایمت نگاه نمیکند. وظیفه ما این است که ایمان و اعتقاد خود را از هر آنچه که باعث تخریب شناختی که عیسی مسیح از خدای حقیقی به ما داده، پاکسازی کنیم. عیسی مسیح خالصانه اینطور دعا میکند: *زندگی جاوید از این راه بدست می آید که تو را که خدای واقعی و بی نظیر هستی و عیسی مسیح را که به این جهان فرستادی، بشناسند (یوحنا ۱۷: ۳).*

نجات ما بستگی به شناخت ما از خدا دارد! ما در مقابل افکار ذهنی خود و شناختی که از خدا داریم، و حتی نداشتن شناخت کافی و یا توهینی که با افکار ذهنی خود به خدا میکنیم، مسئول هستیم. نداشتن شناخت، قاتل ایمان ماست. میتوان اینگونه نیز تفسیر کرد:

پدر، نام مقدس تو گرامی باد؛ من به تو بی احترامی نکنم و تو در زندگی من الویت داشته باشی.

در بسیاری از مراحل زندگی، خدا را در مقام اول و در الویت قرار نمیدهیم و به عنوان یکی از چیزهایی که در زندگیمان دارا هستیم به او می نگرییم. خدا برایمان مانند تصویری محو و نا محسوس است که تأثیر چندانی نیز بر زندگیمان ندارد. عیسی مسیح می آموزد که این مشکل در مقایسه با مشکلات دیگر، بسیار حائز اهمیت است و قبل از هر چیز از ما میخواهد که برای این مطلب دعا کنیم. مسیحیان با متحد نشدن در این امر در واقع به خدا بی احترامی کرده و در مقابل مهمترین وظیفه خود سلب مسئولیت میکنند. "نیچه" میگوید: «به من نشان بده که نجات یافته ای تا به منجی تو ایمان آورم.»

پدر، نام مقدس تو گرامی باد؛ به تو بی احترامی نکنم و به سبب من مورد سوء تفاهم قرار نگیری.

زندگی و رفتار ما، آئینه اعتقادات دینی ماست. حیاتی همانند زندگی یک بت پرست، بطور آشکار نمایانگر این است که خدا برای ما اهمیتی ندارد. همانند یک مسیحی واقعی زیستن، نمایانگر این است که خدا برای ما دارای ارزش و اهمیت والایی است و همانند یک قدیس زیستن، نمایانگر این است که خدا برای ما همه چیز است.

پدر، نام مقدس تو گرامی باد؛ محبت من منعکس کننده محبت تو باشد. زمانی که با سخاوت، خود را در اختیار خواهران و برادران دینی خود میگذاریم، صورت خدا را به آنها نشان میدهیم. ایشان از طریق رحمت و بخشش ما، به قدرت محبت خدا پی خواهند برد.

پدر، نام مقدس تو گرامی باد؛ مقدسین بیشتری به این دنیا بفرست. این دعا برای این است که مقدسین بیشتری به جمع ما فرستاده شوند. رشد باطنی یک جماعت را مقدسین آن جماعت نشان میدهند. مقدسین بر روی زمین صورت نمایان خدا هستند. دنیا بطور خاص احتیاج به مقدسین دارد و به همین دلیل در دعا اینگونه می طلبیم.

راهبین و کشیشان مقدس: دنیای جوانان ما تشنه مقدسین روحانی است. معلمین مقدس: بسیاری از منبرها به دست فرصت طلبان و سوء استفاده گران افتاده است.

مادران و پدران مقدس: تعداد زیادی مادر و پدر بت پرست وجود دارند. برای آماده کردن نسلهای جدید، جماعت های ما نیاز به زوجهای مقدس دارند. متخصصین مقدس، دکتران مقدس، کارگران مقدس و ... خدا بواسطه مقدسین است که به قلمروهای دشمن نفوذ میکند. امروزه دنیای جوانان ما نیاز به یک قدوسیت واگیردار دارد.

۵) ملکوت تو برقرار گردد

علمای دینی این جمله از دعای ربّانی را نقطه مرکزی این دعا می شمارند. جمله کلیدی این دعاست، به این دلیل که در مرکز پیغام انجیل عیسی مسیح نیز همین جمله قرار گرفته است: "آمدن ملکوت خدا و اهمیت داخل شدن هرچه سریعتر به ملکوت خدا". ملکوت خدا یکی از نکاتی است که در ۴ انجیل نیز به آن تأکید بسیاری شده است. در انجیل متی چهل و نه مرتبه، در انجیل مرقس شانزده مرتبه، در انجیل لوقا سی و هشت مرتبه.

الف: ملکوت چیست؟

این واژه در انجیل به معنای سیاسی و یا قلمرویی استفاده نشده است. همه ما پاسخی را که عیسی مسیح به پیلاتوس داد میدانیم: پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست (یوحنا ۱۸: ۳۶). انجیل در مورد ملکوت خدا به معنای روحانی سخن میگوید. انجیل مرقس، اولین تعلیم عیسی مسیح را به این صورت پیش روی ما

میگذارد: زمان موعود فرارسیده است. بزودی خداوند ملکوت خود را برقرار خواهد ساخت. پس از گناهان خود دست بکشید و به این خبرخوش ایمان بیاورید (مرقس ۱: ۱۵). بنابراین اگر برقراری ملکوت خدا بستگی به یک پیوند باطنی داشته باشد، جملاتی که در رابطه با "ملکوت خدا- پادشاهی" می بینیم، بیش از هر چیز به تصاحب قلوب ما توسط خدا اشاره میکنند. در قسمتی دیگر از انجیل، لوقا به پیروزی و ظفر ملکوت خدا بر شیطان اشاره میکند: اما اگر من با قدرت خدا ارواح پلید را از تن مردم بیرون میکنم، این ثابت میکند که ملکوت خدا در میان شما آغاز شده است (لوقا ۱۱: ۲۰).

ملکوت و حکمرانی خدا فقط یک تعریف خاص ندارد. عیسی مسیح بوسیلهٔ مثالهای بسیاری به صورت واضحترا برایمان تعریف میکند. برخی از این مثالها: مثل علفهای هرز (متی ۱۳: ۲۴) در این مثل اشاره به این امر شده که دشمن همیشه بر سر راه ملکوت خدا موانع ایجاد میکند، و ملکوت در حقیقت یک مجادله و مبارزهٔ نیکوست که در نهایت نیز پیروزی و ظفر از آن خدا خواهد بود. مثل دانهٔ خربل (متی ۱۳: ۳۱) و این مثل نشان دهندهٔ این است که ملکوت خدا در ابتدا بی اهمیت به نظر می آید ولی در آخر همانند درخت نیکویی است که بصورت شگفت انگیزی رشد میکند.

مثل خمیرمایه (متی ۱۳: ۳۳) آنچه که این مثل به ما می آموزد این است که، ملکوت خدا قدرتی اسرارانگیز است که عالم بشری را درخود میگیرد و آنرا برای خدا آماده میکند.

مثل گنج پنهان و مروارید (متی ۱۳: ۴۴) در اینجا ملکوت بعنوان والاترین ارزش انسان معرفی میشود و در مقابل آن برای انسان هیچ انتخاب دیگری وجود نخواهد داشت. شخصی که میخواهد ملکوت خدا را بدست آورد، تمامی دارائی خود را نیز برای بدست آوردن آن بایستی بدهد.

مثل تورماهیگیری (متی ۱۳: ۴۷) هدف ملکوت خدا این است که تمامی انسانهای خوش نیت را در یکجا دور هم گردآورد.

مثل جشن عروسی (متی ۲۲: ۱۰) ملکوت خدا جشنی است که درب آن بروی همه، حتی پست ترین انسانها نیز باز است و خدا در مرکز این جشن ساکن است.

شاید برای درک بهتر "ملکوت خدا" بد نباشد که نگاهی به همسانی جملات دعای ربّانی بیندازیم. همسانی، خصیصهٔ اصلی اشعار شرقی است و درواقع یک نوع

بازی با جملات است که در آن همسانی بین جملات، نقش قافیه را بازی میکند و کمک بزرگی به تفسیرکنندگان میکند. زیرا بیشتر اوقات بررسی بر روی جملات همسان کمک به درک مفهوم اصلی جمله خواهد کرد. در اینگونه جملات، همیشه جمله دوم توصیف کننده جمله اول است و حتی به آن قاطعیت می بخشد. زمانی که در "دعای ربّانی" تأمل و دقت بیشتری میکنیم، به این جملات همسان پی میبریم؛

اولین همسانی: پدر آسمانی ما (حاکم عالم لایتناهی) – نام مقدّس تو گرامی باد

دومین همسانی: ملکوت تو برقرار گردد – خواست تو اجرا شود

سومین همسانی: نان روزانه ما را امروز به ما ارزانی دار (ارزش مادی) – خطاهای ما را ببامرز (ارزش معنوی)

چهارمین همسانی: ما را از وسوسه ها دور نگه دار – از شیطان حفظ فرما

در اینجا "ملکوت تو برقرار گردد" به چه معناست؟ بطور حتم به معنای این است که "خواست و اراده تو اجرا شود". در نتیجه میتوان فهمید که چرا عیسی مسیح در متى ۲۱:۷ اینگونه فرمود: گمان نکنید هر که خود را مؤمن نشان دهد، به بهشت خواهد رفت. ممکن است عده ای حتی مرا "خداوند" خطاب کنند، اما به حضور خدا راه نیابند. فقط آنانی میتوانند به حضور خدا برسند که اراده پدر آسمانی مرا بجا آورند.

* * * * *

از آنچه که تا اینجا گفته شد میتوان به این نتیجه رسید؛ ملکوت خدا مبارزه ای است دشوار و خستگی ناپذیر در راه احسان و نیکی که تا انقضای عالم ادامه دارد و توسط یک خانواده صورت میپذیرد، که گرد پدر آسمانی جمع گشته اند، نجات را دریافت کرده اند و خود را تسلیم نیکی کرده اند و در مقابل بدی می ایستند. حاضرند تا خواست و اراده خدا را همانطور که در آسمان است بر زمین نیز بجا آورند و نیت دل آنها چیزی جز نیکی و محبت نیست.

ب: چرا عیسی مسیح از ما میخواهد که برقراری ملکوت خدا را بطلبیم؟

به روشنی میبینیم عیسی مسیح از ما میخواهد که با تمامی قوّت چنین خواست و آرزویی داشته باشیم. زیرا عظیم ترین ثروت ما، شناخت اراده خدا و خواستار برقراری آن با صداقت کامل میباشد. "ملکوت تو برقرار گردد" در واقع عهده ای است که ما با خدا میبندیم و خود را مسئول در مقابل اجراء خواست و اراده خدا اعلام میکنیم. ممکن است عده ای حتی مرا "خداوند" خطاب کنند اما به حضور خدا راه

نیابند. فقط آنانی میتوانند به حضور خدا برسند که اراده پدر آسمانی مرا بجا آورند (متی ۲۱: ۷).

"ملکوت تو برقرار گردد" پذیرفتن شادی عظیم دوستی با خداست. عیسی مسیح از ملکوت خدا مانند یک جشن عروسی با شکوه که خدا در مرکز آن ساکن است سخن میگوید، اما در عین حال به قوانین الزامی که میزبان این جشن تعیین کرده است، اشاره میکند. (لباس مناسب و ... متی ۲۲: ۱۱ و لوقا ۱۴: ۱۶)

"ملکوت تو برقرار گردد" به معنای توبه کردن است، یعنی تبدیل و تغییر افکار. ملکوت خدا نزدیک است، توبه کنید! (متی ۱۷: ۴).

ملکوت خدا را طلبیدن باعث یادآوری این نکته به ما میشود که در طول روز برای به انجام رسیدن خواست و اراده خدا، مبارزه ای سخت در انتظارمان است. می بایست حسن نیت خود را بیدار نگاه داریم. به خدا بیش از هر چیز اهمیت دهید و دل ببندید (متی ۳۳: ۶). همیشه این خطر وجود دارد که نیت ما، ما را فریب دهد و ارزشهای دیگر را بر ملکوت خدا ترجیح دهیم. پس اگر چشمی که برایت اینقدر عزیز است باعث میشود گناه کنی، آنرا از حلقه درآور و دور افکن ... بهتر است بدنت ناقص باشد تا اینکه تمام وجودت به جهنم بیفتد (متی ۲۹: ۵).

همه این آیات نشان میدهند که در مسیر مبارزه در راه نیکي، هزاران مانع و دام وجود دارد. از وقتی که یحیی به موعظه کردن و غسل تعمید دادن شروع کرد تا بحال، ملکوت خداوندی رو به گسترش است و مردان زورآور آنرا مورد هجوم قرار میدهند (متی ۱۲: ۱۱). این آیه نیز اشاره به این دارد که ضعفهای انسانی بسیاری وجود دارند و خطر خیانت همیشه ما را تحدید میکند. طلبیدن برقراری ملکوت خدا یعنی قبول اعلام شادیه و اعتماد و اطمینان به خدا، بجای تکیه بر قدرت خودمان. خوشبحال آنان که نیاز خود را به خدا احساس میکنند، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است (متی ۵: ۳). منظور از شخص فقیر در روح، کسی است که تنها به قدرت خدا اعتماد دارد. قبول برقراری ملکوت خدا یعنی قبول حدود و ناتوانایی هایمان و مانند یک کودک ساده و بی آرایش، احساس امنیت داشتن و همیشه واقعیت هر چیز را پذیرفتن. تا از گناهانتان دست نکشید، و بسوی خدا بازنگردید و مانند بچه های کوچک نشوید، هرگز نخواهید توانست وارد ملکوت خدا گردید (متی ۱۸: ۳). برقراری ملکوت خدا را طلبیدن، پذیرفتن مبارزه است. پذیرفتن فشارها و اختلافات، در مسیری که هدف ما در آن فقط نیکي میباشد. خوشبحال آنان که به سبب نیک کردار بودن آزار می بینند، زیرا ایشان از برکات

ملکوت آسمان بهره مند خواهند شد (متی ۵: ۱۰). پذیرفتن برقراری ملکوت خدا، یعنی ترک جملات زیبایی دنیوی و داخل شدن به دنیای حقیقی با اراده و تصمیمی قاطع. اگر برگهای درخت بسیار باشند، میوه آن درخت کم خواهد بود. اگر در مزرعه علفهای هرز بسیار باشند، محصول گندم آن مزرعه کم خواهد بود. در زندگی نیز اگر سخن بسیار باشد، عملکرد کم خواهد شد! گمان نکنید هرکه خود را مؤمن نشان دهد، به بهشت خواهد رفت. ممکن است عده ای حتی مرا "خداوند" خطاب کنند، اما به حضور خدا راه نیابند. فقط آنان میتوانند به حضور خدا برسند که اراده پدر آسمانی مرا بجا آورند (متی ۷: ۲۱). درخواست ملکوت خدا، انتخاب مسیر بخشش و محبت است. عیسی مسیح دائماً اشاره به این امر دارد که در ریشه مشکلات مسیر محبت، مسئله تصفیه حساب جای گرفته است و به همین دلیل فرمود: وقایع ملکوت خدا مانند ماجرای آن پادشاهی است که تصمیم گرفت حسابهای خود را تصفیه کند (متی ۱۸: ۲۳). خدا بخشنده است ولی انسانی که چندین بار از طرف خدا مورد بخشش قرار گرفته، گاهی حاضر به بخشش نیست. پذیرفتن برقراری ملکوت خدا یعنی ترک راحتی و آسایش! به این معنا که بازهم میگوییم، گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از وارد شدن ثروتمند به ملکوت خدا (متی ۱۹: ۲۴). خدا را طلبیدن یعنی جدا شدن قاطع از بدی و شر. ملکوت، ظفر و پیروزی عیسی مسیح بر شیطان است. اگر من بوسیله روح خدا ارواح ناپاک را بیرون میکنم، پس بدانید که ملکوت خداوند در میان شما آغاز شده است (متی ۱۲: ۲۸). میان عیسی مسیح و بدی، هیچگونه مصالحه ای وجود ندارد. عیسی مسیح از ما انتظار انتخاب میان این دو را دارد. هرکس به من کمک نمیکند، به من ضرر میرساند (متی ۱۲: ۳۰).

۶ (خواست تو آنچنان که در آسمان مورد اجرا است، بر زمین نیز اجرا شود) در "دعای ربّانی" مرتباً توجه به سمت خدا میباشد. این قانون دعاست. برهم زدن تمرکز در دعا به هر دلیلی، تأثیری مخالف بوجود میآورد و باعث میشود توجه و دقت ما بسوی خودمان جلب شود. دعوتی که دعای ربّانی از ما میکند، به تنهایی قادر به تشکیل برنامه ای است عمیق و گسترده، برای شخصی که خواستار چنین حیاتی میباشد.

الف:

در ابتدا لازم است که معنای کلمات بکاربرده شده را به خوبی بشناسیم. با وجود اینکه در متن یونانی "خواست تو اجرا شود" ترجمه شده است، ولی در متن اصلی فعل بکار رفته "اجرا شدن" نیست بلکه فعل "شدن" بکار رفته است. دعا در واقع به انجام رسیدن و "شدن" و "ادامه داشتن" خواست و اراده خدا را خواستار است. همانطور که در مورد "برقراری ملکوت خدا" میطلبیم. در اینجا گویی خواست و اراده خدا اتفاقی است که جدا از ما در حال حرکت و به انجام رسیدن است. در حالی که همانطور که در مورد "ملکوت خدا" گفته شد، ما دعوت شده ایم تا با تمامی ضعف ها و ناتوانایی های خود در این امر سهیم بوده در آن شرکت کنیم. کلمات براحتی قابل درک میباشند فقط مهمترین چیزی که باید بررسی کنیم عمق معنای آنهاست.

عیسی مسیح در اینجا به ۲ نکته مهم اشاره میکند:

۱ - تمایل پیوستن به "انجام رسیدن ملکوت خدا"

۲ - تمایل و درخواست یک پیوند بدون کم و کاستی (آنچنان که در آسمان است بر زمین نیز اجرا شود)

ب:

عیسی مسیح چرا چنین درخواستی از ما دارد؟

زیرا انجام خواست و اراده خدا کار آسانی نیست. بیشتر اوقات آنچه که ما تمایل به انجام آن داریم چیزی مخالف خواست و اراده خداست. تمایل ما بیشتر بر انجام آنچه که خواست خودمان است میباشد و نه آنچه که اراده اوست. بدون کمک خدا، برای شخص ضعیف و ناتوان، پیوستن بدون کم و کاستی برای به انجام رسیدن اراده خدا کاری بسیار دشوار و حتی غیرممکن است. قبول اراده خدا در واقع نشان دهنده این امر است که به صورتی سخاوتمندانه خود را در اختیار او گذاشته ایم.

* نوعی قبول هست که شخص با خشم و یا نارضایتی آن را میپذیرد. در حالی که نمیخواهد، به خدا "بلی" میگوید. این یک قبول حقیقی نیست بلکه انکار است. زیرا ناخواسته و به زور پذیرفته است. بیشتر اوقات این مانند عکس العملی غریزی است که شخص بطور ناخواسته از خود نشان میدهد، بیشتر در مواقعی که اتفاقی ناگوار مانند مرگ، باعث از بین رفتن محبت و پذیرش اجباری است.

* قبولی همراه با سرفروذ آوردن! این قبول نیز پذیرفتن کامل نیست. این درست همانند زمانی است که از روی ناتوانی، مجبور به انجام کاری میشویم.

* نوعی قبول حقیقی وجود دارد که مساوی و درحدّ یک محبّت بسیار والا میباشد. مانند عیسی مسیح که در باغ جتسیمانی در آن تاریکی متراکم، خواست خدا را پذیرفت. این حرکت شاید برای انسان حرکتی شجاعانه به نظر آید. ولی فراموش نکنیم که بدون کمک خدا این حرکت برای انسان غیرممکن خواهد بود.

* و نوعی قبول هست که شخص کاملاً خود را تسلیم خدا میکند. این قدمی بسیار بزرگتر است. قدم محبّت و ایمان است. ایمان و امید است. حرکتی است که شخص در مسیر ایمان خود برای پیوستن به نقشه های خدا، تمامی نظرات و اعتقادات خود را مورد بررسی و تصحیح قرار میدهد.

* درنهایت نوعی قبول نیز داریم که شخص با خدا همکاری کامل دارد. انسان زمانی که با رویدادهای واقعی رودررو میشود برای اینکه با تمامی قدرت بتواند از خواست و اراده خدا پیروی کند و آنرا به انجام برساند، بجای اطاعت از رفتارهای غریزی، خود را در مقابل انجام اراده خدا مسئول دانسته و تصمیمات قاطعتری را دنبال میکند. طریق قبول و پیوستن کامل و عمل کردن به خواست و اراده خدا برای انسان کار آسانی نیست. عیسی مسیح نیز آنقدر متوجه این نکته است که در مرکز تعلیم خود و در مرکز "دعای ربّانی" این نکته را قرار داده است.

بعد معنوی تعلیم عیسی مسیح، از قبول خواست و اراده خدا و پیوستن به او برای به انجام رسیدن آن سخن میگوید. خوراک من این است که خواست خدا را بجا آورم و کاری را که بعهده من گذاشته است انجام دهم (یوحنا ۴: ۳۴). و اما من پیش از آنکه کسی را محاکمه نمایم، نخست با پدرم مشورت میکنم. هرچه خدا به من دستور دهد همان را انجام میدهم (یوحنا ۵: ۳۰). پدر اگر ممکن است این جام رنج و عذاب را از مقابل من بردار، اما نه به خواهش من بلکه به خواست تو (متی ۲۶: ۳۹). و پولس رسول میگوید: مسیح نیز در پی خوشی و خوشنودی خود نبود (رومیان ۳: ۱۵). تمامی تعلیم عیسی مسیح گرد این تعلیم اصلی او جمع میگردد؛ گمان نکنید هر که خود را مؤمن نشان دهید، به بهشت خواهد رفت. ممکن است عده ای حتی مرا "خداوند" خطاب کنند، اما به حضور خدا راه نیابند. فقط آنانی میتوانند به حضور خدا برسند که اراده پدر آسمانی مرا بجا آورند (متی ۲۱: ۷). و درجایی

میبینیم که زنی از میان جمعیت به عیسی مسیح گفت: خوشبحال آن مادری که تو را به این دنیا آورد و شیر داد. و عیسی مسیح در پاسخ به او فرمود: بلی، اما خوشبخت تر از مادر من کسی است که کلام خدا را میشنود و به آن عمل میکند (لوقا ۱۱: ۲۸). عیسی مسیح درجایی میپرسد: چگونه مرا خداوند میخوانید، اما دستوراتم را اطاعت نمیکنید؟ (لوقا ۶: ۴۶). به همین دلیل پولس رسول نیز به مسیحیان اولیه چنین نوشته است: پس مراقب اعمال و رفتارتان باشید، زیرا در روزهای دشواری زندگی میکنیم. به همین جهت، جهالت و نادانی را از خود دور کرده، عاقل و خرداندیش باشید و از هر فرصتی سود بجوئید تا اعمال نیک بجا آورید. بدون تأمل دست به کاری نزنید، بلکه سعی کنید خواست و اراده خدا را دریابید و مطابق آن زندگی کنید (افسیسیان ۱۵: ۱۷).

* * * * *

ج:

تنها پیوستن به خواست و اراده خدا کافی نیست. عیسی مسیح به چیزی بالاتر از این اشاره میکند؛ او میخواهد خواست خدا را بدون کم و کاست بجا آوریم. "خواست تو آنچنان که درآسمان مورد اجرا است بر زمین نیز اجرا شود". یعنی کاملاً بصورتی الهی و همانگونه که او در آسمان آنرا اجرا میکند. هنگامی که به عمق این نکته مینگریم، دو مطلب در ذهن ما بیدار میشود:

۱ - خواست خدا را چگونه میتوان تشخیص داد؟

تشخیص اراده و خواست خدا کار آسانی نیست. سه راه وجود دارد؛ یکی از این راهها بسیار واضح و دو راه دیگر کمی نامحسوس و دشوار میباشند. راه اول، کلام خداست. این راهی واضح و همیشه قابل دسترسی برای انسان است. عیسی مسیح این راه را هموارتر کرده و درک آنرا برایمان ساده تر کرده است. تمامی آنچه که به ما امر کرده و از ما انتظار آنرا دارد در یک نقطه جمع میکند و آن "محبت" است. از شما میخواهم که به همان اندازه که من شما را دوست میدارم، شما نیز یکدیگر را دوست بدارید (یوحنا ۱۵: ۱۲). از شما میخواهم که یکدیگر را دوست بدارید (یوحنا ۱۵: ۱۷). محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد که شما شاگردان من می باشید (یوحنا ۱۳: ۳۵). راه دوم تشخیص خواست و اراده خدا، مشخص شدن آن بوسیله وقایع میباشد. بخصوص وقایعی که امکان کنترل آنها در دست ما نیست. این وقایع بسیارند؛ مرگ، حیات، سلامتی، استعدادها و ناتوانایی ها، موفقیتها و شکستها، دوستی ها و دشمنی ها و ... و همینطور وقایع و

عواملی بزرگتر و گسترده تر که ما را بدون آنکه بخواهیم در حالت اجبار قرار میدهد؛ عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جنگ، بلاها، اقلیم و ... وقایعی که برای انسان قابل کنترل نیست و انتخاب آن در دست یک شخص نیست و تنها مجبور به قبول و تحمل آن هستیم. اینها مسائلی هستند که از طریق آنها وجدان انسان به او گوشزد میکند که این خواست و اراده خدا بوده و شخص می بایست با ایمان و شهامت آنرا بپذیرد. خدا برای اولین بار به آدم فرمود: کامل شده، پیش روی من راه برو. عیسی مسیح نیز میفرماید: همانند پدر آسمانی خود کامل باشید. گاهی تنها قدرت موجود در تاریکی این است که به ما یادآوری میکند، در هر شرایطی نباید فراموش کنیم که از اراده خدا و هرآنچه که او را خوشنود میسازد، جدا شویم. راه سوم تشخیص خواست و اراده خدا، راهی دشوارتر است: بجا آوردن مسئولیتهای شخصی. هزاران شک و تردید و هزاران ضعف (چه از طرف خودمان و چه از طرف دیگران) سرراه ما قرار میگیرد و باعث ایجاد تردید در ما میشود. گاهی وظیفه و یا مسئولیت ما بسیار واضح و ساده است هرچند که حتی گاهی آنرا بدون کم و کاستی بجا آوردن برایمان کار آسانی نباشد. گاهی سردرگم میشویم:

* آیا وظیفه من الان خاموش ماندن است؟ آیا الان بایستی صحبت کنم؟

* آیا وظیفه من الان دخالت کردن در این موضوع است؟ آیا تا چه حد؟ چه وقت؟

* آیا وظیفه من الان طرفداری و حمایت است؟ آیا وظیفه من مانع شدن است؟ تا کجا؟

* آیا وظیفه من الان تنبیه کردن است؟ آیا وظیفه من الان تشویق است؟

اکثراً زمانی که سختیها بیشتر میشوند ما را سردرگم میکنند. ولی فراموش نکنیم که خدا طرفدار انسانی است که با حسن نیت حرکت میکند.

۲ – آیا راهی ساده و آسان برای وفادار ماندن به خواست و اراده خدا وجود دارد؟

بلی، برای تمامی کسانی که با حسن نیت زندگی میکنند روشی ساده وجود دارد. این روش همان "در حال زندگی کردن" است که بسیاری از نویسندگان در مورد آن به عنوان "رنج بران لحظه حال – زاهدان –" نام برده و مطالب بسیاری نوشته اند. تنها لحظه ای که صاحب آن هستیم، همین لحظه یعنی "حال" میباشد. یک دقیقه پیش دیگر به ما تعلق ندارد، یک دقیقه بعد نیز هنوز مال ما نیست! ما به شدت ولی به نحوی زیبا با موقعیت و وضعیت تنها همین لحظه "حال" رابطه داریم. از این

موقعیت میتوانیم به گونه ای استفاده کنیم که تمامی این لحظه "حال" را واقعیت مطلق دیده آنرا کاملاً زندگی کنیم و یا دائماً در گذشته و یا آینده زندگی کنیم. یعنی بجای اینکه به حال چیزی بیفزائیم و آنرا به بهترین شکل ممکن زندگی کنیم، دائماً در اندیشه گذشته و آینده باشیم و حال را از دست بدهیم. غصه فردا را نخورید، چون خدا در فکر فردای شما نیز میباشد. مشکلات هرروز برای همان روز کافی است، لازم نیست مشکلات روز بعد را به آن بیفزایید (متی ۶:۳۴). میتوان گفت روش اصلی مقدس زندگی کردن، برای شخص ضعیف و ناتوان و شخصی که به توانایی خود شک و تردید دارد، "حال را به نحو احسن زندگی کردن" است. درحالی که اکثر اوقات برای زندگی فوق العاده لازم است کارهای فوق العاده انجام دهیم، ولی برای اینکه هر لحظه وظایف و مسئولیتهای خود را بخوبی بجآوریم به چیز زیادی احتیاج نداریم. کمی اراده و محبت کافیهست. هر لحظه ای که با دشواری و سختی رودررو میشویم، گوئی دریک شیب تند قرار گرفته ایم. حتی قلعه اورست که فتح آن غیرممکن به نظر میآمد با تلاشی اندک قابل دسترسی و فتح واقع شد. این روشی است برای احساس قهرمانی برای افرادی که خود را قهرمان زندگی خود احساس نمیکند. این روش برای کسی که خود را زیر فشار حس میکند و یا خود را در حال عقبگرد می بیند، راه رسیدن به آرامش است. طریق ایمان است. پیرتان، قبل از اینکه از او چیزی بخواهید، کاملاً از نیازهای شما آگاه است (متی ۸:۶).

۷) نان روزانه ما را امروز نیز به ما ارزانی دار

قبل از هرچیز به بررسی معنای واقعی این جمله میپردازیم و سپس با دقت بیشتری به بررسی سه واژه که نیاز به درک عمیقتری دارند خواهیم پرداخت. این سه واژه:

"ارزانی دار - بده -" : به مشکل چگونگی درخواست در دعا خواهیم پرداخت.

"امروز" : به مشکل ساده شمردن هرچه بیشتر مسائل و مشکلاتمان خواهیم پرداخت.

"ما" : (نان روزانه ما) ، به مسئولیت و وظایفی که درمقابل مشکلات دیگران داریم، خواهیم پرداخت.

در اینجا به این نکته نیز دقت داشته باشید که سه جمله اول از "دعای ربّانی" در مورد نکاتی است که مستقیماً به خدا مربوط میشوند و سه جمله بعدی، نکاتی است که به نفع انسان است. یعنی: حمایت، نجات از خطاها، نجات از بدی و شر.

الف:

تفسیر متن

این جمله با وجود اینکه به نظر بسیار ساده و واضح است ولی جمله ای است که تفسیرکنندگان را با خود بسیار درگیر کرده است. آنچه که این مشکل را ایجاد کرده، واژه "روزانه" است که از ترجمه کلمه یونانی "epiusion" گرفته شده است. این واژه یونانی در هیچ متنی، نه در عهد جدید و نه در هیچ کجای متن یونانی کتاب مقدس دیده نمیشود. این واژه حتی در ادبیات غیردینی یونانی نیز بکار نمی‌رود و گویی بطور خاص ایجاد شده است و به همین دلیل نیز کار تفسیر این جمله را دشوار ساخته است. این واژه در نهایت در یک متن قدیمی یونانی که متعلق به بیش از پانصد سال قبل از عهد جدید بوده است، بصورت جمع دیده شد. معنای آن "احتیاجات روزانه" است. درواقع جمله "نان روزانه ما را امروز نیز به ما ارزانی دار" که در ترجمه متن آمده است، تفسیری از این واژه یونانی است که بصورتی صادقانه تفسیر شده ولی شاید بهتر است جمله را به این صورت کامل کرد: امروز احتیاجات روزانه ما را به ما ارزانی دار. آنچه که امروز در ترجمه کتاب مقدس می بینیم "نان روزانه" درواقع از قدیمیترین ترجمه کتاب مقدس از زبان لاتین به نام *Itala Atica* به جای مانده است. اما در قرن پنجم، قدیس جرولامو که متن *Vulgata* به زبان لاتین را آماده کرده است به جای واژه *Panem quotidianum* از واژه *Panem supersubstantialem* استفاده کرده است، و به این واژه ای که در زبان یونانی بکار رفته است معنای تازه ای بخشیده است. به عقیده این دانشمند کتاب مقدس این جمله بایستی به این صورت تفسیر می شد؛ "امروز ما را مورد فضل و حمایت خود قرار بده". برخی دیگر از تفسیرکنندگان کلام، واژه "روزانه" را "تا فردا" تفسیر کرده اند و جمله را به این صورت بیان کرده اند: امروز از ما حمایت کن تا بتوانیم تا فردا روی پای خود بایستیم. این جمله درواقع با هدف کتاب مقدس تناسب دارد. همانطور که میبینیم در عهد عتیق خوراکی که از آسمان می بارید فقط یک روز دوام داشت و به همین دلیل انبارکردن آن ممکن نبود، به نظر محققین شاید متون یونانی کلام، اشاره به

این دارند که بایستی در ذهن خود به جای حساب و کتابهای کوچک به تفکرات سخاوتمندانه و پر قدرت ایمان جای بیشتری بدهیم. واژه دیگری که دانشمندان کتاب مقدس در مورد آن اختلاف نظر دارند "نان" است. از نظر ما نان به معنای مجازی آن بکار برده شده است. وقتی که صحبت از بدست آوردن نان میکنیم، منظور ما امرار معاش میباشد. در کتاب مقدس نیز واژه نان بارها به معنای مجازی آن بکار رفته است. در کتاب پیدایش به عرق پیشانی *ات نان خواهی خورد* (۱۹:۳) این آیه کاملاً مشخص است که صحبت از امرار معاش میکند. یعنی منظور اصلی نان به معنای حرفی آن نیست. بلکه اشاره به آنچه که برای ادامه حیات نیاز داریم شده است: سرپناه، پوشاک، خوراک و ... در کتاب امثال سلیمان، حکمت میگوید: *از خوراک و شرابی که آماده کرده ام بخورید...* (۵:۹). و در اینجا منظور از خوراک، حکمت و ترس خداست.

عیسی مسیح نیز در عهد جدید از واژه "نان" به معنای مجازی آن استفاده میکند: *قبول کنید که این پدر من خدا بود که به ایشان نان میداد، نه موسی. و اکنون نیز اوست که میخواهد نان حقیقی را از آسمان به شما ببخشد. این نان حقیقی را خدا از آسمان فرستاده است تا به مردم دنیا زندگی جاوید بخشد* (یوحنا ۶:۳۲). همانطور که می بینیم برای عیسی مسیح "نان" معنایی عمیقتر و گسترده تر دارد. در اینجا به شخصیت خود و نجاتی که به واسطه او آمده است اشاره میکند.

* عیسی مسیح زمانی که زن کنعانی برای شفای دخترش نزد او آمد، به او فرمود: *درست نیست که نان را از دست فرزندان بگیریم و جلو سگها بیندازیم (متی ۲۶:۱۵)*. در اینجا عیسی مسیح واژه "نان" را به معنای "معجزه شفا" بکار میبرد.

* در باب ۶ از انجیل یوحنا، عیسی مسیح صحبت از "نان زنده" میکند و می فرماید: *آن نان زنده که از آسمان نازل شد منم. هر که از این نان بخورد، تا ابد زنده می ماند. این نان در واقع همان بدن من است که فدا میکنم تا مردم نجات یابند* (یوحنا ۶:۵۱).

پس نتیجه میگیریم که اختلافات نظر در مورد تفسیر این جمله از دعای ربّانی، میان تفسیرکنندگان کتاب مقدس نباید ما را به تعجب بیندازد. از دوران قدیم نیز میان پدران کلیسا در مورد تفسیر اینگونه آیات اختلاف نظر بسیاری وجود داشته است. قدّیسین کلیسا اوریگن، امبروز و پطرس زرّین دهان، طرفدار بعد معنوی این جمله بوده اند و یوحنا زرّین دهان طرفدار بعد مادی آن یعنی نان حقیقی بود. قدّیسین آگوستین، سیپریان و ترتولیان هر دو نظریه یعنی نان مادی و معنوی را پذیرفته اند.

واژه نانبه هر معنایی که تعبیر شود، بدون شک بیان کننده نکته ای مهم خواهد بود: به معنای مادی یعنی، تغذیه روزانه و به معنای معنوی یعنی حمایت. همین واژه در فرهنگ فلسطین به معنای نان گندم و در فرهنگ عشایر عرب به معنای گوشت بکار میرفت.

ب:

از این جمله "دعای ربّانی" میتوانیم تعالیم بسیار مهمّی برای زندگی شخصی خود فراگیریم.

۱ - به خواسته های خود اهمیت دهیم

خدا، پدر ماست و به تمامی احتیاجات مفید فرزندان خود حتی احتیاجات مادی آنها توجه بسیاری دارد. فقط عیسی مسیح به یک نکته اشاره میکند که، نباید احتیاجات مادی ما بر ایمان مهمتر از احتیاجات معنوی باشد: اگر شما در زندگی خود، به خدا بیش از هر چیز دیگر اهمیت دهید و دل ببندید، او همه نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت. پس غصه فردا را نخورید (متی ۲۳: ۶-۳۴). چرا عیسی مسیح بر این نکته تأکید کرده است؟ پاسخ این سؤال بسیار واضح است. ما بیشتر تمایل به این داریم که مشکلات مادی را بزرگ و مهم ببینیم و مشکلات معنوی به چشم ما آنقدر مهم جلوه نمیکند. عیسی مسیح به حلّ مشکلات مادی پرداخت (به مدت سی سال کار کرد، تلاش کرد و زحمت کشید) ولی تأکید بر این دارد که این مسائل نبایستی باعث از بین رفتن آرامش ما شود و باید دقت کنیم تا ارزشهای معنوی را در راه رسیدن به ارزشهای مادی فدا نکنیم. عیسی مسیح به تمامی مشکلات ما توجه دارد. عیسی مسیح به هرگونه بیماری جسمی و یا روحی انسانها رسیدگی میکرد و به فریاد بیماران با شفا پاسخ میداد و آنچه که از آنها میخواست این بود که فقط ایمان بیاورند.

عیسی مسیح تأکید بسیاری به دعای "درخواست" یعنی "طلبیدن" دارد. بر دعا نیز باید چنین کرد. آنقدر دعا کنید تا جواب دعایتان داده شود. آنقدر بجوئید تا بیابید. آنقدر در بزنید تا باز شود. زیرا هرکه درخواست کند، بدست خواهد آورد. هرکه جستجو کند، خواهد یافت. و هرکه در بزند، در برویش باز خواهد شد (لوقا ۱۱: ۹-۱۲). هر آنچه که احتیاج داریم، بایستی از خدا بخواهیم و بطلبیم. خوراک، پوشاک، کار، سلامتی، موفقیت، ازدواج نیکو، فرزند نیکو، صلح و دوستی، آینده ای روشن... این که یک فرد جوان از خدا همسری زیبا و خوب بخواهد، بسیار طبیعی

است. امتحان کنکور را با موفقیت سپری کردن را از خدا خواستن، خواسته ای طبیعی است. فقط فراموش نکنیم عیسی مسیح می آموزد که هنگام خواستن، همانند یک کودک خالصانه بطلبید.

ولی ممکن است از ما این سؤال را بپرسند که آیا درست است مشکلات مربوط به مسئولیتهای شخصی خودمان را به دستان خدا بسپاریم؟ عیسی مسیح طرفدار تنبلی نیست. در انجیل آیات بسیاری را مشاهده میکنیم که نشان دهنده دیدگاه عیسی مسیح در این رابطه میباشد؛ مثل سگهای طلا، بطور واضح بیان کننده این است که انسان بایستی تلاش کند و با تلاش خود از تمامی آرمانها و هدایایی که خدا در اختیار او گذاشته به بهترین شکل استفاده کند. اگر سگ طلا را فقط نگه دارد و محافظت کند، همه چیز خود را از دست خواهد داد! و در مثلی دیگر می بینیم که عیسی مسیح صحبت از دخترانی میکند که به اتمام رسیدن روغن چراغهایشان را پیش بینی نکرده اند و برای پیدا کردن روغن بیشتر تلاشی نکرده اند و در پایان از طرف عیسی مسیح ایشان مقصر شناخته میشوند. عیسی مسیح به هیچ وجه از اشخاص تنبل و استعمارگر طرفداری نمیکند. ولی همانطور که میدانیم برخی مسائل و مشکلات هستند که بطور ناخواسته انسان را با خود درگیر میکنند. از قبیل بیماری، کار، ازدواج و غیره.. که باعث درگیری فکری و برهم زدن آرامش شخص میشوند. عیسی مسیح در اینجا این سؤال را از ما میپرسد: آیا مشکلی داری که توانایی حل آنرا نداری؟ هرآنچه که در توانایی توست انجام بده و آنرا به خدا بسپار و خدا به تو پاسخ خواهد داد که *بخوابید تا به شما داده شود (متی ۷:۷)*. اگر هنگام رویارویی با یک مشکل، تمامی سعی و تلاش خود را کردیم ولی قادر به حل آن نبودیم، عیسی مسیح می فرماید: با ایمان آنرا به خدا بسپار. انجیل به ما می آموزد که ایمان ما بایستی چگونه باشد. عیسی مسیح می فرماید: *اگر ایمان داشته باشید، هرچه در دعا بخواهید خدا به شما خواهد داد (مرقس ۱۱:۲۴)*. عیسی مسیح می فرماید: "هرچه". یعنی در دعا هرچیزی را میتوانیم بطلبیم. دعا را به طلبیدن احتیاجات معنوی محدود نکرده است. او از ما توقع داشتن ایمانی در حد یک پیغمبر و یا قدیس را ندارد، حتی کمی ایمان نیز از نظر او بسیار مهم است. از نظر عیسی مسیح ایمانی به اندازه دانه خردل نیز میتواند کاری عظیم انجام دهد. در (مرقس ۱۱:۲۳) می فرماید: *اگر به خدا ایمان داشته باشید، میتوانید به این کوه زیتون بگوئید که برخیزد و در دریا بیفتد، و فرمان شما را بی چون و چرا اطاعت*

خواهد کرد. فقط کافی است که به آنچه می‌گویید واقعاً ایمان داشته باشید و شک به خود راه ندهید. منظور از کوههایی که باید جابجا شوند چیست؟ منظور از کوهها، مشکلاتی است که ما را مورد فشار سنگین قرار داده اند و چیزی بالاتر از حد توانایی ماست و گویی با صخره ای محکم ما را روبرو کرده اند. عیسی مسیح برای حلّ اینگونه مشکلات فقط یک راه را به ما معرفی میکند: با ایمان طلبیدن، با ایمانی حقیقی و در راستی... وهرآنچه که بطلبید به شما داده خواهد شد. آیا این درمورد تمامی مشکلات صدق میکند؟ آیا مسائل و مشکلاتی وجود ندارند که پاسخ خدا در مورد آنها "خیر" باشد؟ عیسی مسیح اشاره به یک نکته دیگر نیز میکند: "در نام او طلبیدن". معنی این جمله چیست؟ این جمله معنایی بسیار عمیق دارد. یعنی طلبیدن همراه با او، همراه با موجودیت و شخصیت او، و تأیید خواسته ما توسط او در دعا. مانند یک مهر تأیید که بر خواسته و دعای خود میزنیم و این مهر تأیید نشانه این است که این خواسته ما از نظر عیسی مسیح امضاء "هیچ مانعی وجود ندارد" شده است. این نکته بسیار مهم است زیرا برای گرفتن آنچه که در دعا میطلبیم، قبل از هرچیز بایستی خود را مورد بررسی قرار دهیم که آیا این خواسته ما مورد تأیید او میباشد یا خیر؟ و آیا با خواست و اراده او هماهنگی دارد یا خیر؟ عیسی مسیح درواقع میخواهد که قبل از هرچیز به بررسی و تحقیق کامل مشکلی که با آن رودررو هستیم بپردازیم. با در دست داشتن انجیل، مشکل خود را در روشنایی نور انجیل قرار میدهیم تا تمامی نکات آنرا دیده و قادر به بررسی آنها باشیم. اگر با مشکلی رودررو هستیم درابتدا بایستی این سؤالها را از خود پرسیم: آیا آنچه که میخواهم، با تفکر مسیحانه مطابقت دارد؟ آیا عیسی مسیح به آنچه که میطلبم مهر تأیید "هیچ مانعی وجود ندارد" را خواهد زد؟ اگر پاسخ این دو سؤال "بلی" باشد، آنوقت با شهادت کامل و با ایمان به اینکه آنچه طلبیدیم به ما داده خواهد شد، میتوانیم آنرا در دعا به خدا بسپاریم.

به یک نکته بسیار مهم بایستی دقت لازم را داشته باشیم. عیسی مسیح با وجود اینکه درمورد پاسخ به دعای ایمان، به ما وعده میدهد، ولی درمورد زمانی که پاسخ دعایمان به ما داده خواهد شد هیچگونه وعده ای نداده است. در هیچ جای انجیل نیز درمورد اینکه پدرآسمانی ما خیلی سریع به خواسته های ما پاسخ خواهد داد، نوشته نشده است. به این مطلب دقت کنیم! زیرا بیشتر اوقات زمانی که خدا به خواسته های ما دیر پاسخ میدهد، ما را و یا مشکلی که با آن درگیر هستیم را به

بلوغ میرساند. اگر دقت کنیم میبینیم که خدا همیشه (حتی اگر از نظر ما دیر پاسخ دهد) پاسخی حتی بیشتر از آنچه که طلبیدیم به ما میدهد. آنچه که خدا از ما انتظار دارد بسیار مهم است. باعث رشد ایمان، فروتنی و سخاوت در ما میگردد. ارزشهایی که در ما وجود دارند ولی ما آنها را پنهان کرده ایم، برایمان آشکار میکند و باعث میشود از مهارتهای خود استفاده کنیم و بر زندگی خود تأثیرگذار باشیم و از نظر ذهنی ما را به بلوغ میرساند. گاهی خدا با دیرکردن در پاسخ به دعای ما، به ما کمک میکند تا خواسته خود را دوباره مورد بررسی قرار دهیم و آنرا تصحیح کنیم. آیا اگر عنایت و فیض خدا به صورتی اتوماتیک همیشه به فرزندانمان داده میشد، آنوقت ایمان فرزندان خدا چگونه بود؟

۲ - نان ما را امروز، قبل از فرا رسیدن فردا به ما ارزانی دار

و حال به یکی دیگر از مشکلات اساسی نگاه کنیم. چرا بصورت مکرر قادر به حل مشکلات خود نیستیم؟ بطور مثال اگر یک مشکل معنوی داشته باشیم، خواسته ام این باشد که از یک گناه آزاد شوم، و در نام عیسی مسیح آنرا از خدا بطلبم، چرا خدا این خواسته مرا بجا نمی آورد! شاید به این دلیل است که به یکی از نکات مهم و ریز تعالیم عیسی مسیح دقت و توجه لازم را نداشته ایم. از آنجایی که آینده برایمان اهمیت بیشتری دارد، تمام توجه خود را به آینده داده ایم و زمان حال را فراموش کرده ایم. زمانی که سعی بر این داریم تا مشکلی را که منطبق و یا توانایی ما را تحت فشار قرار داده با دعا تقدیم خدا کنیم و با دعا برایش پاسخی پیدا کنیم، عیسی مسیح تلاش میکند تا ما را با واقعیت مسئله رودررو کند. به روش "خواسته های روزانه" و "مشکلات روزانه" یک قانون بسیار مهم و با حکمت، در رابطه با زندگیمان را به ما می آموزد. انسان زمانی که مشکلات و مسائل زندگی خود را به صورت روزانه و قدم به قدم دنبال کند، قادر به حل آنها خواهد بود. اگر بخواهیم همه چیز را باهم در یک لحظه حل کنیم هرگز قادر به پیدا کردن راه حل برای آنها نخواهیم بود. عیسی مسیح روشی را در رابطه با حل مسائل و مشکلاتی که برایمان غیر قابل حل به نظر می آید می آموزد: اگر با مشکل بزرگی رودر رو هستیم، آنرا به دستان خدا سپردن و روی آن مشکل کار کردن بیشتر اوقات ما را به نتیجه میرساند. آیا درگیر یک وابستگی هستید که امکان آزاد شدن از آنرا ندارید؟ آیا مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا روابط جنسی شما را اسیر خود کرده اند؟ آیا از این امر شرمسار هستید؟ آیا واقعاً میخواهید از این وضعیت نجات پیدا کنید؟ عیسی

مسیح راه نجات از آنرا به ما نشان میدهد: از پدر آسمانی هر روز نجات و آزادی از این مشکل را بطلبید. نجات خواهید یافت. زیرا پدر آسمانی زمانی خواسته شما را بجا میآورد که خودتان نیز با او همکاری داشته باشید. اگر تنها یکبار این مشکل را نزد خدا برده و خواستار حل آن باشید هرگز این خواسته شما را برایتان به انجام نخواهد رسانید. زیرا زمانی که شما هر روز، روزانه خواسته و دعای خود را متوجّه نبوده و به خدا اعلام نمیکنید، در واقع نشان داده اید که این مشکل آنقدر برای شما حائز اهمیت نبوده که خودتان نیز برای حلّ آن با خدا همکاری لازم را نمیکنید! خدا، لقمه حاضر و آماده را در دهان شما نخواهد گذاشت. زیرا اگر این را انجام میداد مانند پدری نا مهربان میبود که فرزند خود را به تن پروری و بی ارادگی تشویق میکند. هیچ پدر مهربانی طرفدار تن پروری و بی ارادگی فرزند خود نیست، بخصوص پدر آسمانی. در نتیجه با ایمان نجات از هر آنچه که شما را خُرد و ناتوان میشمارد، بطلبید. این را هر روز، روزانه بطلبید و خدا شما را نجات خواهد داد. زیرا زمانی که این را امروز و برای امروز میطلبید، به خدا اعلام همکاری میکنید و از طرفی وظایف و آنچه که در این مورد سهم شماست انجام میدهید، خدا بدون شک دست یاری خود را به سوی شما خواهد گشود. اگر برای شما دشوار است که یک روز کامل خود را به این همکاری تسلیم کنید میتوانید در ابتدا برای نیمی از روزتان این را بطلبید و یا حتی ساعتی از روزتان! پس از این که از توانائی و قدرت همکاری خود با خدا آگاه شدید، آنگاه در دعا بنا بر توانایی خود طلب کنید.

کلپسا، بزودی صاحب یک خادم مقدّس خواهد شد. Matthew Talbot شاگرد یک آجرچین بود که در سنّ شانزده سالگی اعتیاد به مشروبات الکلی پیدا کرده بود. در سنّ بیست و هشت سالگی مشروبات الکلی را ترک کرد و به مبارزه علیه اعتیاد پرداخت. او مبارزه خود را هر روز بطور روزانه با ایمان و دعا ادامه داد. قوّت خود را هر روز از نان مقدس میگرفت. او هر روز هنگام بازگشت از محل کارش مجبور بود از جلوی میخانه عبور کند و مورد وسوسه شدید قرار میگرفت. یک روز به عهدهی که با خود بسته بود خیانت کرد و وارد میخانه شد. آن روز نیز برای این موضوع دعا کرده بود و دقیقاً هنگامی که تصمیم به خیانت بر عهد خود کرد، خدا به دادش رسید. در میخانه مشتریان بسیاری وجود داشتند و شرابی که او سفارش داده بود هنوز برایش نیامده بود و همین امر باعث نجات او شد. زیرا فرصتی شد تا کمی فکر کند و از کرده خود پشیمان شده آن مکان را ترک کرد.

مبارزه این شخص با وسوسه اش دقیقاً چهل سال بطول انجامید و او حالا یکی از قدیسین کلیسا خواهد شد. قدیسی که با دعای روزانه و دائم خود و گفتن "بلی" به همکاری با خدا در واقع تولدی تازه یافت. آنچه که احتیاج دارید هر روز، روزانه بطلبید. در نقشه های زندگی خود فروتنانه عمل کنید. قلّه اورست با ضربه های تیشه، قدم به قدم، سانت به سانت قابل فتح گردید.

Newman زمانی که به ایمان روی آورد گفت: «تنها یک قدم کافی است». قدیس گریگوری اینگونه نوشت: «کسی که به تو یک روز تازه را بخشیده است، تمامی احتیاجات آن روز را نیز خواهد بخشید». چیزهای نامربوط نخواهید، بلکه احتیاجات روزانه خود را بطلبید. یکی از پدران کلیسا این جمله را نیز در رابطه با این مطلب افزوده است که: «عیسی مسیح فرموده است به جای خوراک لذیذ و تجملات، نان را بطلبید. برای امروز قوت بطلبید و نه برای فردا. قوت فردا را طلبیدن امروز برای ما تجملات است زیرا چیزی است اضافه که امروز به آن احتیاج نداریم.

* * * * *

"نان روزانه ما": عیسی مسیح ما را تشویق میکند تا به فکر احتیاجات دیگران نیز باشیم شخصی که تنها مشغول مسائل و مشکلات شخصی خودش باشد، مسیحی حقیق نیست. بایستی به مشکلات و مسائل افرادی که با آنها زندگی میکنیم، افرادی که تحت حمایت ما هستند، افرادی که با آنها در رابطه هستیم، در راه مبارزه با بدی همراه با ما در فشار و سختی هستند، و بطور خلاصه تمامی عالم بشر دقت داشته باشیم. شخص مسیحی وظیفه دارد در مقابل مشکل و سختیهایی که اشخاص دیگر با آنها درگیر هستند احساس مسئولیت داشته باشد و برای کمک به آنها همیشه آماده باشد. عیسی مسیح شخصی را که برای ندیدن مشکلات دیگران چشمان خود را بسته است، نخواهد شناخت. اگر به مشکلات دیگران توجه داشته باشیم و به آنها بیندیشیم قادر به حل مشکلات خودمان نیز خواهیم بود. خدا همیشه دست یاری خود را بسوی فردی دراز میکند که قلبی سخاوتمند برای هم نوعان خود دارد.

۸ (خطاهای ما را بیامرز، چنانکه ما نیز آنان را که به مابدی کرده اند میبخشیم به اینجا که رسیدیم شاید بهتر باشد به همه آنچه که تا بحال گفتیم یکبار دیگر نگاهی کلی بیندازیم. "دعای ربّانی" بصورت یک ساختار معماری بسیار زیبا بنا شده و تمامی آنچه که برای ما دارای اهمیت است و احتیاج به درک آن را داریم در خود

به شکلی منظم جای داده است. منظور از ساختار معماری این است که، در "دعای ربّانی" ما پس از اینکه نام خدا را به زبان می‌آوریم (به حضور خدا وارد میشویم) با سه تعهد و سه درخواست، خود را تقدیم او میکنیم.

تعهد‌ها:

۱ - تعهد شاهد بودن: "نام مقدس تو گرامی باد"

۲ - تعهد وفاداری: "ملکوت تو برقرار گردد"

۳- تعهد محبت: "خواست تو اجرا شود"

درخواست‌ها:

۱- حمایت خدا: "نان روزانه ما را امروز نیز به ما ارزانی دار"

۲- آمرزش خطاها: "خطاهای ما را ببامرز"

۳- نجات از بديها: "ما را از وسوسه‌ها دور نگاه دار و از شیطان حفظ فرما"

میتوان گفت که انسان دعوت شده تا اول دهنده باشد و سپس درخواست کننده! انسان قبل از هر چیز متعهد میشود همانگونه که خواست خداست عمل کند و سپس آنچه را که برای برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی خود احتیاج دارد میطلبد.

الف:

برای شروع به جمله "خطاهای ما را ببامرز" از انجیل متی نگاه کنیم. همین جمله در انجیل لوقا بصورت "گناهان ما را ببخش" نوشته شده است. این جمله نشان میدهد که هر خطایی که در مقابل خدا مرتکب شده ایم، گناهان ماست. لوقا در اینجا یک اصطلاح یونانی که هم معنی با کلمه "خطا" است را بکار برده است. این کلمه واژه ای است که هنگامی که یک تیر انداز به هدف نمیزند و یا تیرش بیهوده پرتاب میشود از آن استفاده میکند. بله، نکته جالبی است. زمانی که انسان دچار یک اشتباه و یا خطا میشود، شخص مسیحی میگوید: مرتکب جرم شده است و شخص غیرمسیحی شاید بگوید: پرتاب بدی نبود! ولی خدا میگوید: پرتابی بود که تیر بیهوده رها شد و به هدر رفت. لازم است واژه "جرم" را کمی عمیقتر بررسی کنیم. اگر گناه جرمی است که در مقابل خدا مرتکب میشویم، پس تمامی حرکات و زندگی ما متعلق به خداست. نمیتوان اینطور فکر کرد که اعمال و رفتار ما فقط به خودمان تعلق دارد. ما برای خدا خلق شده ایم پس بایستی برای او زندگی کنیم و برای او حرکت کنیم. هر گناهی که مرتکب میشویم در واقع نوعی خیانت و فریب

دادن خداست، نوعی دزدی کردن از آنچه که به خدا تعلق دارد، میباشد. در مقابل خدا آنقدر مرتکب گناه میشویم که قدیس اوریگن با شهامت این را مینویسد: «هیچ شخص زنده ای قادر نیست که یک روز و یا یک شب خود را بدون مرتکب شدن خطا سپری کند». به احتمال زیاد منظور او شخصی است که مرتکب گناه ناسپاسی باشد. گناهان ما خطاهای واقعی ما هستند، زیرا در آن لحظه درمقابل خدا ناسپاسی کرده ایم. این ناسپاسی کم کم تمامی وجود ما را دربرمیگیرد و مانند یک سایه همیشه و همه جا مارا دنبال خواهد کرد. عیسی مسیح در داستان بدهکار به پادشاه (متی باب ۱۸) به ما می آموزد که هیچ چاره ای برای گناهانی که در مقابل خدا مرتکب میشویم وجود ندارد و مورد بازخواست قرار خواهیم گرفت.

* * * * *

جمله "چنانکه ما نیز آنان را که به ما بدی کرده اند میبخشیم" در انجیل لوقا به صورت "چنانکه ما نیز آنانی را که به ما خطا کرده اند میبخشیم" تغییر یافته است. این تغییر درمتون یونانی بطور واضح دیده میشود ولی جمله ای که بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است، از انجیل متی میباشد. معنای هردوی این جملات تقریباً یکی است. متی، بخشش را به عنوان یک تعهد قطعی میپذیرد و لوقا بخشش را به وسیله بخششی که از قبل پذیرفته شده است تأیید میکند. دیدگاه عیسی مسیح در این رابطه بسیار واضح و آشکار است و به دفعات این را تکرار کرده است. بطورمثال در (متی ۲:۷) میفرماید: *زیرا هرطور که با دیگران رفتار کنید همان گونه با شما رفتار خواهند کرد.* و در (مرقس ۱۱: ۲۵) *ولی وقتی دعا میکنید، اگر نسبت به کسی کینه دارید، او را ببخشید تا پدرآسمانی شما نیز از سر تقصیرات شما بگذرد و شما را ببخشد.*

قدیس گریگوری در تفسیر خود از این آیه اینطور نوشته است: «خدا میخواهد که رفتار ما نمونه مناسبی برای منعکس کردن او باشد و همینطور ما نیز از خدا دعوت میکنیم تا همانگونه که ما رفتار کرده ایم، با ما رفتار کند. "خداوندا، میبینی، هر قدر هم که من بنده کوچک تو باشم و تو پادشاه اعظم عالم هستی، من از خود رحمت و بخشش نشان دادم، تو نیز درنشان دادن رحمت و بخشش این خدمتکار حقیر خود را تقلید کن. (ماند من با من رفتار کن).

* * * * *

ب:

خدا ما را می بخشد

اگر عیسی مسیح از ما می خواهد که چنین چیزی را از پدر بطلبیم، پس بدون شک این امری ممکن است. هیچ هدیه ای بزرگتر و با ارزش تر از این نیست. بار گناه برای انسان باری بسیار سنگین است و احتیاج ما به آرامش واقعی روشن است. حتی اگر مشکلات بسیاری نیز داشته باشیم، اگر در آرامش باشیم احساس خوشبختی میکنیم. زمانی که میتوانیم بگوئیم احساس صلح و دوستی با خدا را داریم، احساس اینکه خدا از ما رضایت کامل دارد، آنوقت است که حس خوشبختی تمام وجود ما را فرا میگیرد. آیا زمانی که در دل خود چنین خوشبختی را احساس میکنیم، بارهای مشکلات و سختیها سنگینی خود را از دست میدهند و براحتی قابل تحمل میشوند؟ آیا واقعاً خدا گناهان را میبخشد؟ اینها اولین سؤالی است که از خودمان میپرسیم. بلی، خدا گناهان را میبخشد، هر نوع گناهی را هر قدر هم که سنگین باشد. تنها لازمه آن این است که دل خود را از بدی پاک و جدا کرده، پذیرای حقیقت و دارای حسن نیت باشیم. عیسی مسیح در "دعای ربّانی" به این نکته اشاره کرده است: چنانکه ما نیز آنان را میبخشیم! الهیدانان به این وضعیت "پشیمانی" نام میدهند. خدا، انسانی را که در دل خود احساس پشیمانی داشته باشد کاملاً میبخشد. عیسی مسیح تنها گناهی را که هیچگاه از طرف خدا بخشیده نخواهد شد، معرفی کرده است و آن "گناهی که در مقابل روح القدس مرتکب شده ایم" است. اگر کسی حتی به من کفر بگوید و یا گناه دیگری مرتکب شود، امکان بخشایش او وجود دارد، اما بی حرمتی به روح القدس هیچگاه بخشیده نخواهد شد. نه در این دنیا و نه در آن دنیا (متی ۱۲: ۳۱). این کدام گناه است؟ به احتمال زیاد اینجا منظور از گناه، قبول آگاهانه دروغ گوئی، فهمیدن و درک بدی ولی تمایل به انجام آن و از بین رفتن کامل احساس پشیمانی در ماست. زمانی که در ما پشیمانی وجود نداشته باشد، خدا نخواهد بخشید. عیسی مسیح نیز چندین بار با اعمال خود این را تعلیم داد: زمانی که پشیمان هستیم، خدا ما را میبخشد! (مرقس ۵: ۲) عیسی مسیح به آن افلیج فرمود: پسرم گناهانت بخشیده شد! فرد بیمار از او خواست که او را شفا بخشد و عیسی مسیح هم جسم و هم روح او را شفا بخشید. چرا؟ زیرا عیسی مسیح در دا آن شخص ایمانی قوی دید. شخصی که از پشت بام با تختش بوسیله طناب در مقابل پایهای عیسی مسیح پائین فرستاده شده بود. این حرکت نتیجه یک

ایمان و ارادهٔ عظیم است. در جای دیگر عیسی مسیح به زن زناکاری فرماید: من نیز تو را محکوم نمیکنم. برو و دیگرگناه نکن (یوحنا ۸: ۱۱). عیسی مسیح باجگیر زگی را میبخشد و زمانی که آنجا را ترک میکرد اینگونه می فرماید: امروز نجات به اهل این خانه روی آورده است (لوقا ۹: ۱۹). آیا آنچه که باعث شد عیسی مسیح او را ببخشد چه بود؟ احساس پشیمانی. زگی خوشحالی خود را با این جملات بیان میکند: سرور من، اینک نصف دارایی خود را به فقرا خواهم بخشید. اگر از کسی مالیات اضافی گرفته باشم، چهار برابر آنرا پس خواهم داد (لوقا ۸: ۱۹). در منزل شمعون نیز عیسی مسیح به زن گناهکار چنین پاسخی داد: گناهان تو بخشیده شد. ایمانت باعث نجاتت شده است. برخیز و آسوده خاطر برو (لوقا ۷: ۴۸ و ۵۰). هنگامی که شمعون از این حرکت عیسی مسیح به تعجب آمد پاسخ عیسی مسیح به او این بود: از اینروست که او محبت بیشتری نشان میدهد، چون گناهان بسیاری از آمرزیده شده است. اما هرکه کمتر بخشیده شده باشد، محبت کمتری نشان میدهد (لوقا ۷: ۴۷). پشیمانی نتیجهٔ ایمان، محبت و حسن نیت است. درجایی که اینها وجود دارند، بخشش مسیح نیز وجود خواهد داشت. زمانی که عیسی مسیح روی صلیب بود یکی از جنایتکاران که در کنار او به صلیب کشیده شده بود از او چنین خواست: ای عیسی، وقتی ملکوت خود را آغاز کردی، مرا هم بیاد آور. و عیسی مسیح در پاسخ به او فرمود: خاطر جمع باش که تو همین امروز با من در بهشت خواهی بود (لوقا ۲۳: ۴۲-۴۳). در اینجا چون عیسی مسیح راستی و صداقت آن شخص را مشاهده کرد، او را بخشید: ما حقمان است که بمیریم، چون گناهکاریم. اما از این شخص یک خطا هم سر نزده است (لوقا ۲۳: ۴۱). ایمان و صداقت نشان دهندهٔ پشیمانی در این شخص خطاکار بود. پذیرش اینکه گناهکار هستیم، قدم اول پشیمانی است. عیسی مسیح می فرماید: گناهان شما بدون شک بخشیده خواهد شد. رسالت من در این دنیا این است که گناهکاران را بسوی خدا بازگردانم، نه آنانی را که گمان میکنند عادل و مقدسند! (متی ۹: ۱۳). به همین صورت، با توبهٔ یک گناهکار گمراه و بازگشت او بسوی خدا، در آسمان شادی بیشتری رخ میدهد تا برای نودونه نفر دیگر که گمراه و سرگردان نشده اند (لوقا ۷: ۱۵). برای آن یک گوسفند بیشتر شاد میشود تا برای آن نودونه گوسفند که جانشان در خطر نبوده است... خواست پدر آسمانی این نیست که حتی یکی از این کودکان از دست برود و هلاک شود (متی ۱۲: ۱-۱۴).

در همه جای انجیل این امر دیده میشود که هرکجا پشیمانی وجود داشته باشد، بخشش به آنجا خواهد آمد. عیسی مسیح برای اینکه اطمینان خاطر بیشتری به شخص گناهکار بدهد، چیزی بیشتر از این را انجام داد. او به کلیسا قدرت و اجازه بخشش گناهان را داد. روح القدس را بیابید، اگر گناهان کسی را ببخشید، بخشیده میشود و اگر نبخشید، بخشیده نمیشود (یوحنا ۲۰-۲۳). و از آن پس در کلیسا رازهای مقدس بخشش و صلح و شادی متولد شد. این شفقت و محبت بی نهایت عیسی مسیح به انسان است، برای دوباره زنده کردن شخصی که در غم و رنج خود فرو رفته، هدیه ای عظیم و باارزش از طرف مسیحی که از مردگان برخاسته است، میباشد. انسان به بخشایش خدا اطمینان دارد فقط لازمه این بخشش، پشیمانی شخص میباشد. آیا شخص چگونه میتواند در مورد حس پشیمانی خود و دوام آن مطمئن شود؟ از همین روی عیسی مسیح کلیسا را محلی امن و به عنوان داور و قاضی برای برقراری آرامش برگزیده است. گاهی افراد میپرسند که چرا بخشش خدا به واسطه یک کشیش و راهب به ما میرسد؟ پاسخ این سؤال بسیار ساده است. هرگناه انسان، ارتکاب جرم درمقابل خداست و درعین حال ارتکاب جرم درمقابل هم ایمانان (خواهران و برادران دینی) او نیز هست. شخصی که مرتکب گناه میشود به اطرافیان خود نیز آسیب رسانیده است. انسان به تنهایی مرتکب گناه نمیشود. حتی گناهی که در خفی مرتکب آن میشویم نیز به اطرافیان ما آسیب میرساند. زیرا حس خودخواهی را در انسان افزایش میدهد و این حس خودخواهی دیر یا زود خواهران و برادران دینی ما را هدف قرار خواهد داد.

گاندی، متوجه این امر شده بود! حتی به خود اجازه نمیداد که در افکارش نیز مرتکب گناه شود زیرا او میدانست که حتی تفکرات نفسانی نیز باعث آسیب رسانیدن به او و همسر و فرزندانش و حتی شاگردانش خواهد شد. هر گناه ما نوعی بی عدالتی در حق دیگران است. مسیح نیز به این نتیجه رسید: آیا بخشش خدا را میطلبید؟ اول برو و از خواهر و برادر خود طلب بخشش کن. در مقابل یک نفر که نماینده خواهر و برادر توست زانو زده، طلب بخشش کن. این شخص کشیش است. زمانی که کشیش تو را به نمایندگی از خواهر و برادرت میبخشد، خدا نیز تو را خواهد بخشید. شادی بخشش از طرف خدا بسیار عظیم است.

ج:

اما ما نیز وظیفه داریم ببخشیم!

عیسی مسیح بسیار روشن و آشکار ما را به انجام این امر دعوت میکند و به شدت به آن تأکید دارد.

* چنانکه ما نیز آنان را میبخشیم، تو نیز ما را ببخش. اگر "دعای ربّانی" بدست ما تنظیم میشد شاید اینطور میگفتیم: «پدر با اینکه هر دفعه موفق به بخشیدن دیگران نشده ایم، ولی تو گناهان ما را ببخش». عیسی مسیح در این رابطه با ما همفکر نیست. او بسیار قاطع است. بخشش شرط لازم است. به هر قیمتی که باشد.

* عیسی مسیح در مورد لزوم بخشش می فرماید که خدا چگونه گناهکار را مورد تنبیه قرار میدهد: آیا حقش نبود تو هم به این همکارت رحم میکردی، همانطور که من به تو رحم کردم؟ ... بلی، این چنین پدر آسمانی من با شما رفتار خواهد کرد اگر شما برادران را از ته دل ببخشید (متی ۱۹: ۳۳-۳۵).

* روزی پطرس برای اینکه خود را فردی نیکو جلوه دهد، برخلاف سنت یهودی که سه بار بخشش است، نزد عیسی آمده ادعا میکند که حاضر به هفت بار بخشیدن است. عیسی مسیح به او میفرماید: نه، هفتاد مرتبه هفت بار! (متی ۱۸: ۲۱).

* عیسی مسیح در (متی ۷: ۲) میفرماید: هر طور که با دیگران رفتار کنید، همانگونه با شما رفتار خواهند کرد.

* یکی دیگر از تعالیم عیسی مسیح در این رابطه این است: وقتی دعا میکنید، اگر نسبت به کسی کینه دارید او را ببخشید تا پدر آسمانی شما نیز از سر تقصیرات شما بگذرد و شما را ببخشد (مرقس ۱۱: ۲۵). یکی از نویسندگان آمریکائی به نام Catherine Marshall میگوید که این جمله بسیار او را تحت تأثیر قرار داده و همیشه قبل از دعا لیست تمامی کسانی که بایستی ایشان را ببخشد می نویسد.

* عیسی مسیح کاملاً واضح و آشکار سخن میگوید. متی پس از نوشتن "دعای ربّانی" این جملات را نوشته است: پدر آسمانی، شما را به شرطی خواهد بخشید که شما نیز آنانی را که به شما بدی کرده اند ببخشید (متی ۶: ۱۴).

* عیسی مسیح قبل از همه آنها به بخشش اشاره میکند که تا زمانی که خود را بررسی و تصحیح نکرده باشیم، خطر اینکه دعای ما پذیرفته نشود وجود دارد. پس اگر نذری داری و میخواهی گوسفندی در خانه خدا قربانی کنی، و همان لحظه بیادت آید که دوستت از تو رنجیده است، گوسفند را همانجا نزد قربانگاه رها کن و اول برو و از دوستت عذرخواهی نما و با او آشتی کن... (متی ۵: ۲۳-۲۴). در

نتیجه بایستی با سخاوت تمام ببخشیم. عیسی مسیح در مورد این موضوع به آسانی ما را رها نمی‌کند. آیا برای بخشش که کاری اینقدر دشوار است چه باید کرد؟ اگر شخصی به ناحق به ما توهین کرده باشد، چه؟ اگر نفرت و یا خشم آرامش ما را برهم زده باشد و دائماً مانند یک زهر در وجودمان ما را تحریک کند، چه باید کرد؟

۱ - لحظه ای که افکار ما به سمت نکته ای که در آن به ناحق مورد هدف واقع شده ایم کشیده شد، بایستی با تمام وجود و از صمیم قلب برای شخصی که ما را مورد توهین و یا آزار قرار داده طلب تقدیس از طرف خدا را داشته باشیم. این دعایی است که به خود ما نیز آرامش و قوت میبخشد. بخشش خدا را به آن شخص و به خود ما فرود میآورد.

۲ - از تکرار کردن نام شخصی که به ما توهین کرده و یا آزار رسانیده دوری کنیم. روش خاموش ماندن یکی از روشهای مهم است. شاید دیگران درمورد آن شخص صحبت کنند ولی شما با وجود اینکه حرفهای بسیاری برای گفتن دارید، داوطلبانه سعی کنید که خاموش بمانید. این نکته بسیار مهم و با ارزشی است که شما را پاک ساخته و صورتی از بخشش است که در آن شما با دلی پراز سخاوت و بخشش داوطلبانه میبخشید.

۹) ما را از وسوسه ها دور نگاه دار

در "دعای ربّانی" ممکن است طلب چنین کمکی عجیب بنظر برسد و یا باعث برداشتی اشتباه شود که: آیا باید از خدا بخواهیم ما را مورد وسوسه قرار ندهد؟ بدون شک این ترجمه ای ناموفق از متن یونانی است که در ابتدا به زبان لاتین و سپس به زبان ایتالیائی ترجمه گشته است. در اینگونه موارد نیز یک مترجم میتواند گمراه کننده باشد. قدّیس یعقوب نیز در رساله اش اشاره به این نکته دارد: وقتی کسی وسوسه شده بسوی گناه کشیده میشود، فکر نکند که خدا او را وسوسه میکند زیرا خدا از گناه و بدی بدور است و کسی را نیز به انجام آن، وسوسه و ترغیب نمیکند. وسوسه یعنی اینکه انسان فریفته و مجنوب افکار و امیال ناپاک خود شود (یعقوب ۱: ۱۳-۱۴). برخی از تفسیرکنندگان کلام، یک متن دعای شب یهودیان (Amida) را کشف کردند که به تفسیر و درک این جمله از دعای ربّانی کمک میکند: «درمقابل قدرت گناه و خطاها و قدرت وسوسه ها و اهانت ها مرا به حال خود رها نکن.»

الف:

و حال به بررسی واژه های این جمله بپردازیم. واژه "وسوسه" (peirasmos) در زبان یونانی دارای دو مفهوم میباشد: وسوسه و مبارزه. در متن یونانی از کتاب مقدس واژه "وسوسه" دائماً به معنای امتحان کردن و یا همان تست کردن بکاررفته است. برای مثال: پولس رسول در رساله دوم قرنتیان میگوید: اگر در راه ایمان هستید، خوتنان را مورد امتحان قرار دهید (۱۳: ۵). و این جمله اینگونه ترجمه شده است: آیا از امتحان ایمان سربلند بیرون خواهید آمد؟

در اینجا منظور اصلی جمله این است که، ایمان خود را تست کنید! پس به این نتیجه میرسیم که واژه "وسوسه" دارای دو مفهوم است: وسوسه واقعی یا مبارزه و مورد امتحان قرار دادن. مفهوم آن میتواند امتحان کردن، تست کردن و یا تمرین کردن باشد. برای اینکه بتوانیم این جمله را بصورت کامل تفسیر کنیم بجای اینکه از چنین واژه نامفهومی شروع کنیم، بهتر است به تمامی جمله (جمله کامل) نگاهی بیندازیم. این به ما نشان میدهد که این جمله در واقع تضرع نجات است یعنی التماس برای نجات، و با جمله بعدی که طلب نجات از شر و بدی و شیطان است، تشابه زیادی دارد.

۱ – ما را از وسوسه ها دور نگاه دار

۲ – ما را از شیطان حفظ فرما

جمله اول "ما را از وسوسه ها دور نگاه دار" را میتوان اینگونه معنی کرد:

= ما را تسلیم امتحانات نکن

= زمان امتحانات، ما را رها نکن

= زمانی که مورد امتحان واقع میشویم، در مقابل ضعفهایمان از ما حمایت کن

قدیمیترین پدران کلیسا ترتولیان، سیریان و آگوستین این جمله را اینگونه ترجمه کرده اند: «اجازه نده تا زیر فشار امتحانات خرد شویم»

این جمله از "دعای ربّانی" را میتوان با جمله مهم دیگری از انجیل متی تطابق داد: بیدار بمانید و دعا کنید تا وسوسه بر شما غلبه نکند، روح انسان میخواهد آنچه درست است انجام دهد، اما طبع بشری او ضعیف است (متی ۲۶: ۴۱). منظور عیسی مسیح از "وسوسه" خیانت است. و متی در (۲۶: ۵۶) میگوید: در این گیرودار، تمام شاگردان او را تنها گذاشته، فرار کردند. نتیجه میگیریم که معنای

این جمله از دعای ربّانی میتواند این باشد: "ما را از خیانت نجات بده" و یا "ما را از خیانت حفظ فرما".

* * * * *

ب:

آزمایش الزامی است!

تعجب نکنیم از اینکه خدا ما را مورد امتحان و آزمایش قرار دهد. اگر در زندگیمان هیچ مبارزه ای وجود نداشت آنوقت لازم است که تعجب کنیم. حیات به ما داده شده تا مبارزه کنیم نه اینکه به خواب فرو رویم. زندگی نوعی مبارزه است. شخصیت انسان زمانی رشد میکند که با مسائل و مشکلات مختلف مجادله و مبارزه داشته باشد. مبارزه کردن یعنی محبت کردن. شکست دادن بدی و شیطان یعنی محبت کردن. اگر برای محبت کردن به خدا مبارزه نکنیم، دلیل محبتی که به او داریم را نخواهیم فهمید. به همین دلیل عیسی مسیح اینگونه دعا کرد: نمیخواهم که ایشان را از این جهان بیرون ببری، بلکه میخواهم آنان را از قدرت شیطان حفظ کنی (یوحنا ۱۷: ۱۵). خدا ما را از طریق این مبارزه نجات میدهد. قدّیس آگوستین میگوید: «کسی که تو را در نبود تو ساخت، و کسی که تو را حیات بخشید، اگر تو نباشی تو را نجات نخواهد داد.»

اگر به این امر صفت "وسوسه" و یا "مبارزه" را بدهیم، هیچ فرقی نمیکند فقط مهم این است که هنگامی که آنرا در زندگی خود احساس میکنیم تعجب نکنیم و نکته دوم اینکه با وسوسه شوخی نکنیم، با خطرها دوستی نکنیم. عیسی مسیح تأکید میکند "روح میخواهد ولی بدن ضعیف است". حسّ خواستن و آرزو در انسان بسیار بزرگ است ولی ضعفها و ناتوانایی های بدن از آن بزرگترند. با وجود این، این امنیت برای ما وجود دارد که همیشه امکان ایستادگی در مقابل وسوسه ها را داریم. عیسی مسیح در این مورد تعلیمی بسیار واضح دارد: بیدار بمانید و دعا کنید تا وسوسه بر شما غلبه نکند (متی ۲۶: ۴۱). در اینجا منظور از "بیدار ماندن" "هوشیار بودن" است. در انجیل لوقا نیز میخوانیم: چرا خوابیده اید، برخیزید و دعا کنید تا مغلوب وسوسه ها نشوید (لوقا ۲۲: ۴۶).

دعا کلید اصلی موفقیت است. دعای روزانه (مداوم)! هیچ مشکل و گره ای نیست که با دعا گشوده نشود. هیچ وسوسه، امتحان و مبارزه ای نیست که با دعا نتوان از آن پیروز بیرون آمد. با دعا در حقیقت قدرت الهی در ما جایگزین میشود و به ما خدمت میکند. هرگز ناامید نشوید. هرگز ناامید نشوید زیرا دعا امنیت است.

اطمینان است. آنچه که عیسی مسیح در رابطه با دعا فرمود، بی نظیر و عجیب است: بطلبید، به شما داده خواهد شد. بجوئید، خواهید یافت... شما که پدر هستید، اگر فرزندان از شما نان بخواد، آیا به او سنگ میدهید؟ آیا اگر ماهی بخواد، آیا به او مار میدهید؟ یا اگر تخم مرغ بخواد، آیا به او عقرب میدهید؟ هرگز! پس اگر شما، اشخاص گناهکار میدانید که باید چیزهای خوب را به فرزندان بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی شما میدانند که باید روح القدس را به آنانی که از او درخواست میکنند، ارزانی دارد! (لوقا ۹: ۱۱-۱۳). با دعا میتوان هر چیز را بدست آورد، روح القدس را نیز بدست آورد. حُسن نیت، محبت و بطور خلاصه همه چیز را بدست آورد. آیا ناتوان هستید؟ با دعا میتوانید صاحب قدرت شوید. زیرا با دعا، شما محبت خدا یعنی روح القدس را بدست میآورید. آیا در غم و اندوه هستید؟ با دعا میتوانید صاحب شادی شوید، زیرا با دعا، شما محبت خدا یعنی روح القدس را بدست میآورید. آیا در بند و اسارت بدی هستید؟ الان، همین امروز میتوانید آزاد شوید. عیسی مسیح قادر است شما را لمس کند. با دعا قادر به انجام هر کاری خواهید بود. هرگز نگوئید که بسیار مبارزه کردم ولی هنوز سر جای اول خود قرار دارم. اگر اینطور باشد، پس معلوم است که:

۱ - واقعاً مبارزه نکرده اید.

۲ - به خوبی مبارزه نکرده اید.

اگر با یک سطل سوراخ بر سر چشمه آب بروید، هرگز قادر به پرکردن سطل آب نخواهید بود. باید بخوبی مبارزه کرد. اگر در بند و اسارت بدی قرار دارید این سه نکته را فراموش نکنید:

۱ - به شرایطی که در آن هستید با چشمانی واقع بینانه بنگرید و آنرا بپذیرید «خداوند، من یک گناهکار هستم».

۲ - نگاه شما به خدا باشد، نه به خودتان و یا ضعفهایتان. شخصی که در دریا میافتد و شنا کردن را نمیداند، به تنهایی قادر به نجات خود نیست. برای نجات خود نیاز به یک شخص دیگر دارد. نگاه شما به خدا باشد و خواستار معجزه نجات از بند بدیها باشید.

۳ - این را هر روز بطلبید. هرگز سعی نکنید با تنها یکبار آرزو کردن، آزادی از اسارت را بدست آورید. فقط یکبار در مورد یک عادت بد و یا اسارت، دعا کردن هرگز ما را به نتیجه نخواهد رسانید. نجات خدا را هر روز و به صورت مداوم با اصرار بطلبید. اگر این کافی نبود، باز هم با اصرار هر لحظه بطلبید. اینها ضربه

هایی است که به قلب خدا وارد میکنیم و این فقط برای خودمان لازم است زیرا باعث به حرکت درآوردن ایمان خودمان میشود. خدا، تنها زمانی وارد عمل میشود که حرکت ایمان ما را ببیند و زمانی که احتیاج و نیاز به او را حس میکنیم و خودمان نیز حاضر به همکاری با او هستیم.

۱۰) ما را از شیطان حفظ فرما

در "دعای ربّانی" آخرین درخواست کمک و یاری از خدا، در ادامه جمله "ما را از وسوسه ها دور نگاه دار" میتوان گفت ادامه این جمله بوده و به تعریف آن میپردازد! به برخی از متون تفسیری در این خصوص نگاهی بیندازیم. متن یونانی، از ترجمه اش بسیار قویتر است. برای اینکه بتوانیم راحت تر متن اصلی یونانی آنرا درک کنیم، لازم است که بجای واژه "حفظ فرما" از واژه "برگردان" استفاده کنیم. یعنی از خدا میخواهیم که ما را از قدرتی که بر ما غلبه کرده و قدرت بدی (شیطان) نجات دهد. متن اصلی یونانی، صحبت از "بدی" میکند. این یک صفت مذکر است. در متون عهد جدید دائماً با واژه های "بدی، آن شخص بد" روبرو میشویم. یعنی به بدی شخصیت داده شده و آن شیطان است. در (متی ۱۳: ۱۹) عیسی مسیح پس از حکایت کشاورزی که در کشتزار دانه می کاشت، فرمود: ... گرچه مژده ملکوت خدا را میشوند، ولی آنرا درک نمیکند. در همان حال شیطان سر میرسد و تخمها را از قلب او میریاید. عیسی مسیح در مثل علفهای هرز دوباره بر این نکته اشاره میکند که شیطان برای اینکه گندمها را خفه کند، علفهای هرز میکارد: دشمنی که علفهای هرز را لابلای گندمها کاشت، شیطان است (متی ۱۳: ۳۹). و پولس رسول در رساله خود به افسسیان میگوید: سپر ایمان را نیز بردارید تا در مقابل تیرهای آتشین شیطان محفوظ بمانید (افسسیان ۶: ۱۶). یوحنا در رساله اول خود نوشته است: ای جوانان، روی سختم با شما نیز هست، زیرا در نبرد روحانی بر شیطان پیروز شده اید (اول یوحنا ۲: ۱۳) و در آیه بعدی ادامه میدهد: به شما جوانانی که کلام را در دل خود حفظ میکنید و قوی هستید و بر شیطان پیروز شده اید (اول یوحنا ۲: ۱۴).

توسط این متون میتوان دیدگاه و طرز تفکر مسیحیان اولیه را در این رابطه فهمید. عیسی مسیح این امکان را به ما داد تا بتوانیم در مقابل شیطان پیروز شویم ولی فراموش نکنید که شیطان دست از این مبارزه برنمی دارد. پولس رسول برای تشویق مسیحیان کولسی به ایشان مینویسد: او ما را از دنیای تاریک شیطان نجات

داد و به ملکوت فرزند عزیزش منتقل ساخت (کولسیان ۱۳:۱). این مبارزه همیشه در این دنیا ادامه خواهد داشت. ولی ما در مسیح زندگی میکنیم و به او متصل هستیم و او بر شیطان غلبه کرده پیروز است. تا زمانی که در دعا ایستاده ایم و هوشیار هستیم، شیطان قادر نخواهد بود که به ما آسیبی برساند.

الف:

با بررسی این جمله از "دعای ربّانی" که درخواست یاری از خداست، به این نتایج دست پیدا میکنیم:

۱ – "قدرت بدی" میتواند ما را در آغوش کشیده به اسارت درآورد.

۲ – "شیطان" وجود دارد و در دنیا مشغول به کار است.

ممکن است افرادی با این دیدگاه موافق نبوده و حتی آنرا به مسخره بگیرند. بزرگترین پیروزی و ظفر شیطان این است که این واقعیتهای را به مسخره بگیریم و باور کنیم که شیطان وجود ندارد. ولی فراموش نکنید که عیسی مسیح بارها در مورد او سخن گفت و ما به عیسی مسیح ایمان داریم و نه شیطان.

۳ – انجیل صحبت از کسانی میکند که در بند شیطان اسیر هستند و از اخراج شیطان در شرایط مختلف نیز سخن میگوید. امروز نیز همانند دوران عیسی مسیح، هستند افراد بسیاری که در بند و اسارت شیطان بسر میبرند. بایستی آنها را کشف کرده، با قدرت عیسی مسیح یعنی بوسیله روح القدس سرکوب سازیم. "دعای ربّانی" از شیطان سخن نمیگوید ولی هرآنچه که در رابطه با او بایستی بدانیم به ما میآموزد. (واژه "شیطان" یک نوع اسم است به معنای "دشمن" که از یک فعل عبری به نام "شیطان" که معنای آن "شیطان شدن" است گرفته شده است. Diabolos نیز یک صفت است به معنای "متهم کننده" که از فعل یونانی Diaballo گرفته شده است که معنای آن "متهم کردن و تهمت زدن" است. واژه Demon یک کلمه یونانی است که معنای آن "قدرت زندگی پس از مرگ" میباشد.)

شاید در "دعای ربّانی" به این دلیل در مورد بدی (فریب دهنده) گفته شده که آنرا یک فاعل نشان دهد. در دنیا قدرتی پنهان وجود دارد به نام "بدی" و همانطور که همه میدانیم این قدرت گشوده و نابودکننده است. ولی عیسی مسیح در دعای ربّانی به ما میآموزد که لازم نیست از آن بترسیم، زیرا او برای همیشه بر این قدرت پیروز گردید. "بدی" قدرتی است که ما را در آغوش میگیرد و به اسارت میبرد و

شخصیت ما را عوض میکند. ولی عیسی مسیح به ما میفرماید که برای غلبه کردن بر آن امکانات زیادی در دست داریم. مهمترین آنها، هوشیاری و دعاست. بیدار بمانید و دعا کنید تا وسوسه بر شما غلبه نکند (متی ۲۶: ۴۱). چرا عیسی مسیح از شیطان اینگونه تعریف کرده و برای غلبه بر آن تأکید بر دعا دارد؟ زیرا عیسی مسیح از ضعفها و نادانی های ما آگاهی کامل دارد. ما همانند کودکان هستیم که برای چیدن گل به باغ رفته ایم و از روی هیجان و شادیمان، متوجه ماری که در میان شاخ و برگ گلها مخفی است نمیشویم. عیسی مسیح برای غلبه بر بدی ما را به دعا کردن دعوت کرده است و سعی بر این دارد که چشمان ما را بروی هرگونه راه حلی برای این موضوع باز کند. زندگی انسان مبارزه ای است میان نیکی و بدی. عیسی مسیح آمد تا قدرت خود را به ما نیز بدهد و ما بایستی متوجه تمامی ضعفهای خود و احتیاجمان به عیسی مسیح باشیم.

ب:

امروزه نشانه های شیطان بسیار دیده میشود. نگاهی به آنها بیندازیم؛ اولین نشانه، نداشتن شناخت کامل دینی یعنی "جهل مذهبی" است. آیا درمورد ایمان از شناخت کافی برخوردار نیستید؟ پس فراموش نکنید که شیطان از این جهالت شما لذت میبرد. او میتواند بوسیله یک کودک نادان هرآنچه که میخواهد انجام دهد و قادر خواهد بود تا پوسته سخت نفرت از ایمان را براو ببوشاند. اگر از تعالیم انجیل آگاهی ندارید و از ایمان و اعتقادات خود شناخت کافی ندارید، شما قلعه هایی هستید که بدست شیطان فرو ریخته شده اند. اگر صاحب شناخت نباشید محافظت نمیشوید و مانند بازیچه ای در دستان شیطان خواهید بود. چگونه میتوانیم از خود محافظت کنیم؟ بسیار آسان است: از طریق تحصیل و کسب علم و شناخت لازم. عجله کنید! اگر احساس میکنید که درمورد ایمان و اعتقاد خود شناخت لازم را ندارید، نزد کشیش خود رفته از او سؤال کنید. بخواهید که به شما کتابهای مفید در این زمینه را معرفی کند. سعی کنید کتاب مقدس را بخوبی بررسی کنید و به اصطلاح به عمق آن فرو روید. خودتان را در این زمینه تعلیم دهید و حتی به دیگران نیز در این زمینه کمک کنید. اگر شخصی در خصوص تعالیم دینی از شما طلب کمک کرد، هیچ وقت به او پاسخ منفی ندهید. زیرا زمانی که شما به کسی تعلیم میدهید، آنگاه خودتان نیز درمورد آنچه تابحال تعلیم دیده اید مطالب جدیدی را کشف خواهید کرد و حتی در مورد بسیاری از نکاتی که تا به امروز متوجه آنها

نبوده اید نیز خواهید آموخت. یکی دیگر از ویروسهای شیطان "دروغهای بزرگ" میباشد. دروغ، حکم یک روش را دارد. همه آنرا باور میکنند و مسموم میشوند. در اینجا مهم است که به رسانه ها نیز اشاره کنیم که برای شیطان نوعی قلمرو فرمانروایی دروغها و خشونت ها و زشتی ها میباشند. رسانه ها داری قدرتی عظیم برای انتقال یک سری باورهای فکری و رفتاری هستند. کمی فکر کنید، هرروزه میلیونها روزنامه بدست اشخاص میرسد و هرروزه میلیونها نفر به تماشای فیلمهای سینمایی می نشینند. میلیونها شبکه رادیو تلویزیونی درکارند. شیطان قادر است از طریق آنها دنیا را مسموم کند. این امکانات را تبدیل به محلی برای تعلیم دروغ، خشونت و زشتی ها کرده است. ای جوانان، وظیفه شماست تا درمقابل او بایستید. شما افرادی هستید که آینده را میسازید. یکی از قلمروهای حکومت شیطان، رسانه ها هستند، پس میتواند از طریق آنها چهره واقعیت را تغییر دهد و مانع هرآنچه که نیکوست گردد. ای جوانان، اگر از شما خواسته شد تا درافتتاح یک شبکه برای مانع شدن از این حرکت شیطان، شرکت کنید، دریغ نکنید. اگر امکان کمک و شرکت در انجام کاری را ندارید سعی کنید از نظر مالی کمک کنید. ای جوانان، یاد بگیرید که قدرتهای خود را با هم یکی کنید، همبستگی داشته باشید. به همین دلیل مدارس دعا تأسیس گردید! ما میدانیم و مطمئن هستیم زمانی که یک شخص جوان شروع به دعا کردن میکند (دعای روزانه)، در زندگی او تبدیل و تغییر صورت میگیرد و بر خودخواهی غلبه میکند. احتیاجات دیگران را متوجه میشود و برای ایجاد اتحاد و همبستگی با دیگران در هرآنچه که نیکوست تلاش میکند. مسیح بر شیطان پیروز گشت. شیطان قدرت والا نیست. نیکی و محبت هرگز از بین نمیروند. بلی، شاید بدی، خود را بسیار نشان میدهد ولی این به این دلیل است که نیکی و احسان بدلیل طبیعتی که دارند، نیاز به تبلیغ ندارند و خود را در معرض توجهات و تبلیغات قرار نمیدهند. سومین و خطرناکترین نشانه شیطان "بدبینی" است. شیطان یادگرفته است تا درمورد همه چیز ما را بدبین کند و سم بدبینی را برروی هرچیز بپاشد. حتی به روزنامه های مسیحی نیز این سم را وارد میکند و آنها را مسموم میسازد. در کلیساهای نیز افرادی را داریم که دائماً از همه چیز ایراد میگیرند و شکایت میکنند و افرادی که همیشه بداخلاقی میکنند و یا با بدبینی به دیگران نگاه میکنند. یک مسیحی واقعی نمیتواند بدبین باشد، نمیتواند با بدبینی سخن گوید، و با بدبینی رفتار کند. زیرا یک فرد مسیحی اعلام میکند که به مسیح تعلق دارد و مسیح بر شیطان غلبه کرده است.

زیرا مسیح مالک دنیا است! زیرا مسیح حاکم بر تاریخ است! او قهرمان آینده است! چشمان خود را بگشایید و احسان و نیکی ابدی را ببینید.

ج:

در دوران عیسی مسیح، افرادی بودند که در بند ارواح بد قرار داشتند. امروز نیز چنین افرادی بسیار یافت میشوند و نشانه‌های آنها این است: خشم، مواد مخدر، مشروبات الکلی، اسارت جنسی و ... این افراد باعث دل شکستگی مسیح میگردیدند. به زیر پاهای مسیح میافتادند و بطرف او میدویدند. مسیح از ایشان نمی‌ترسید و با ایشان صحبت میکرد. آیا امروز ما بایستی با اینگونه افراد چگونه رفتار کنیم؟ همان رفتاری که عیسی مسیح کرد. به آنها حسّ دلسوزی داشته باشیم و با قوّتی که از خدا میگیریم به آنها نزدیک شویم. این افراد تنها با گفتن برخی جملات و یا حرف زدن با آنها، رهایی نخواهند یافت. آنها به مسیح نیاز دارند. بایستی آنها را با مسیح آشنا کنیم. به همین دلیل تا زمانی که اینگونه افراد وجود دارند (معتادین به مواد مخدر و الکل، جنایت، خشم و...) بایستی شجاعت خود را حفظ کنیم زیرا عیسی مسیح برای نجات این افراد آمد، ما نیز وظیفه داریم به آنها مسیح را معرفی کنیم.

مسیح با محبتی عظیم آنها را دوست دارد و خواستار شفای آنهاست. مسیح میخواهد که هریک از آنها شفا یابند و برای این امر از ما به عنوان واسطه استفاده میکند. پس، حرکت کنید! برای شخصی که اسیر اعتیاد است، داستان تعریف نکنید، او را به پزشک معرفی نکنید. شخصی که در اسارت روح بدی است احتیاج به دکتر ندارد. اینگونه بیماریها، نوعی بیماری هستند که روح را از بین میبرند و نه جسم را. دکتر نمیتواند به آنها کمکی بکند، این افراد تنها بوسیله مسیح میتوانند رهایی یابند. آنها را نزد مسیح آورید و تمامی امکانات را فراهم کنید تا با مسیح رودرو شوند. اگر در شما ایمان و در شخص معتاد خواست و اراده قاطع وجود داشته باشد، مسیح میتواند او را لمس کرده رهایی بخشد. زیرا مسیح از طریق ایمان ما میتواند به افراد دست پیدا کند. برای افرادی که در اسارت مواد مخدر و الکل هستند دائماً دعا کنید. دعا کنید و روزه بگیرید. اگر این افراد به شما اعلام کنند که واقعاً خواستار نجات و رهایی و درمان بیماریشان هستند، بدانید که نیمی از راه را طی کرده‌اند، پس سریعاً آنها را نزد مسیح آورید. با ایمان، معجزه بطلبید. تا زمانی که روح بد اعتیاد آن شخص را ترک کند دائماً در دعا باشید و معجزه بطلبید.

کسانی که ایمان می‌آورند، با قدرت من، ارواح پلید را از مردم بیرون خواهند کرد (مرقس ۱۶: ۱۷). Wilkerson در آمریکا و بسیاری از دیگر کشورها، مراکز مبارزه با اعتیاد را تأسیس کرده است. زمانی که یک شخص جوان واقعاً مشتاق به درمان است، یک گروه جوان او را میهمان خود کرده بمدّت ۱۰ روز و یا ۲۰ روز و حتی ۱ ماه از او نگهداری میکنند و در این مدت بدون استفاده از دارو و یا پزشک، تنها با محبت و دعا آن جوان را نزد مسیح آورده و از مسیح می‌طلبند که او را لمس کند. همین امر باعث میشود که دائماً افرادی نجات یابند و واسطه ای برای نجات دیگر معتادین باشند. مسیح زنده است، او می‌خواهد ما را نجات بخشد. دعا کرده با هم بگوئیم: ای عیسی مسیح، ما را از بدی حفظ فرما!